تذکرہ

زبدۃ الاولیاء

شیر ربانی حضرت میاں شیر محمد شرقپوری
نقشبندی مجددی قدس سرہ العزیز

تالیف

محمد نذیر رانجھا

از انتشارات

شعبہ نشر و اشاعت دارالمبلغین حضرت میاں صاحب
شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

نام کتاب :۔ تذکرہ زبدۃ الاولیاء قدس سرہ العزیز

تالیف :۔ محمد نذیر رانجھا

طبع اول :۔ 1995ء

تعداد :۔ 1100 نسخہ

چاپ کنندہ :۔ آر۔ زید۔ پیکجز۔ لاہور

1۔ مکتبہ نور اسلام شرقپور شریف ضلع شیخوپورہ (پاکستان)

2۔ جامع مسجد شیرربانی۔ اکبر روڈ مدینہ چوک
وسن پورہ لاہور

3۔ دفتر ماہنامہ نور اسلام جامع مسجد قادریہ
شیرربانی 21۔ ایکڑ سکیم سمن آباد لاہور

فہرست

صفحہ

باب چہارم

باب پنجم

باب ششم

باب ہفتم

باب ہشتم

باب نہم

باب دہم

بسم اللہ الرحمن الرحیم ○

پیش گفتار

وقتیکه خد اوند سبحانه و تعالی آد می را از جنت بیرون کرد و د رین عالم فرستاد' او از روی فضل عمیم خود یک ضابطه حیات ہم آد می را اعطا فرمود تا زند گانی خود را تا مین کند ویک قرینه برای زیست خو د را د ا ر سازد که برائے کامرانی وکاریابی زیستش ضامن باشد چنانکه ارشاد باری ہست

قلنا ا ہبطو ا منہا جمیعا فا ما یا تینکم منی ہد ی فمن تبع ہد

ای فلا خو ف علیہم و لا ہم یحز نو ن

بر طبق این ارشاد باری طائفه ی مقد س انبیاء علیہم الصلوۃ والسلام یکی بعد د یگر مبعوث شد ند تا ہدایت ربانی را به بند گان او رسانند این سلسله انبیاء دراز کشید تاآنکه حبیب کبریا خاتم الانبیاء صلی اللہ علیه وآله وسلم تشریف آورد ند آن والا جناب صلی اللہ علیه وسلم نبی آخرالزمان ہستند و د ین اسلام را تکمیل د ہنده و خاتم ہستند لہٰذا بعد آن والا جناب صلی اللہ علیه واله وسلم فریضه د عوت و تبلیغ بعہده اولیای کرام تفویض شد و این نفوس پاک از فریضه این منصب را نیک برآ ورد ند برای این طائفه د ر قر ان پاک ارشاد خد اوند ہست

الا ان ا و لیا ء اللہ لا خو ف علیہم و لا ہم یحز نو ن

این جا این نکته مہمی جالب توجه می باشد که اولیائی کرام را این عظمت ومرتبت بچه وسیله وصول شد این نکته را قرآن حکیم واضح فرموده است

قل ان کنتم تحبو ن ا للہ فا تبعو نی یحببکم ا للہ

ممد وح ما حضرت میاں شیر محمد شرقپوری این نکته مهمی را نیک فهمید و اتباع سنت را پیکر بود اونه نتها خرد ش اتباع سنت مطهره را لازم گرفت د یگران را ہم باین مراد تلقین فرمود این تلقین گاہی بطریق جلال بود و گاہی بطریق جمال۔ ولی تمنای د لی او بود که ہمه مسلمانان به صمیم قلب پیروی سنت پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم را بمهده خود گیرند

خد اوند متعال انبیاء را معجزات عطا فرمود که تقاضای عصر را بسند ه آمد ند ہمچناں اولیارا کرامات عطا فرمود که حسب تقاضای زمان این بزرگان عالی مقام بود حضرت ممد وح شیر ربانی د ریک عصر فلسفیانه وبی مذ ہب و عقل پرست بد نیا آمد این را یک ولی کامل لازم بود که زنجیر فلسفه واستدلال بشکند و اہل جهاں را بچشم سرخود شان جهانی تماشا نماید که ورای منطق و استدلال باشد بمد نظاره این جهان ہیچ ترد د د ر ہیچ قلب نماند در ہستی باری تعالی و مرتبه والا صاحب لولاک و واقعات روحانی مثل معراج و غیر آن۔

خد اوند متعال بفضل خاص خود حضرت ممد وح شیر ربانی میاں شیر محمد شرقپوری را برای مرتبه والا گزید که جان ولایت باشد۔ اوصاف یگانه اخلاق کریمانه کمالات واہبانه ہمه یکجا شده بود ند۔ کشف و کرامت و تصرف و القاباین مرتبه بود که بینند ه راد ہاں باز بماند۔ و مرد ماں اراد ت را باں د رجه ی ایمان می رساند که قرما این را والا بود ند۔ عصر جد ید که عصر فلسفه و تکنو لو جی ہست و ہرکس که ازروشنی جد ید کور شده پیش آں ممد وح آمد د ریک لحظه ہمه حجابات از پیش اوکافور شد ند و از ہمه ذمائم نفسانی پاک شد ه مشتاق گشت برای نور اسلام۔

د رین عصر که عصر سائینس و تکنولوجی ہست سوانح مبارک اولیای حق یک مناره ی نور میباشند۔ این امر لازم را احساس کرد ه شد که نژاد نو رابه زند گانی حضرت ممد وح معرفی شود تا ا ذ ہاں منطقی

و فلسفی جدید کمی اصلاح یا بند' از روح اسلام آشنا شوند و مقام و مرتبہ ی شارع اسلام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم رابشنا سند و دین مستقیم اسلام را رہبر و رہنمای خود ساختہ در دین و دنیا کامرانی می جویند۔ برای این مقصود مجلدات متعدد ی بزبان اردو و پنجابی نوشتہ شدہ وا انتشار یافتند مثل خزینہ معرفت انقلاب الحقیقت تذکرہ اولیای نقشبند المعروف شیر ربانی آفتاب ولایت ذکر محبوب خطبات شیر ربانی ومنبع انوار و غیر آن۔

بندہ را یک آرزوئے دیرینہ بود کہ بزبان انگلیسی' فارسی' و عربی ہم چند کتب طبع شوند کہ فیوض و برکات این ولی کامل' جامع صفات' قطب الاقطاب و درویش عصر را بخوانندگان این زبانهائی خارجی معرفی شود و آنان ہم از فیوض و برکات حضرت مستفیض شوند۔ للہ الحمد کہ آقای محمد نذیر رانجھا این کتاب را بزبان فارسی نوشتہ تمنای مرا عملی ساخت۔ بدرگاہ کار ساز دعا گویم کہ از فضل عمیم خود مصنف را بہ نعمت ہائی دنیا و آخرت و قلم اورا سعادت ہائی فراوان بخشد کہ برای اولیای دیگر ہم چنین خدمت انجام دہد۔ آمین بجاہ سید المرسلین۔

صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری

این سعادت بزور بازو نیست

نخستین کار علمی که دردست این فقیر آمد تصحیح "رساله ابدالیه" تصنیف لطیف سلطان المشائخ حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس سره بودکه از سوی مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان۔ اسلام آباد چاپ و نشر گردید۔ پس این بهانه ای بود برای مسافرت علمی و ادبی این ناچیز و فیض و برکت روحانی حضرت مولانا یعقوب چرخیؒ که یکی ازعارفان بزرگ و نامی سلسله عالیه نقشبندیه می باشند بعد ازین رحمت و فضل باری تعالیٰ بطوری یارو مددگار این ناچیز شد که ترجمه اردوی "رساله ابدالیه" و "رساله انسیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "رساله حورائیه" (متن فارسی مع ترجمه اردو) و "شرح اسماء الحسنیٰ" (متن فارسی مع ترجمه اردو) ہم از تصنیفات حضرت مولانا یعقوب چرخیؒ را این فقیر چاپ و نشر کرد، سپس "نسائم گلشن" (فارسی) از شاه داعی الی الله شیرازیؒ وتصحیح و تعلیق نمودم و بعداً کتاب "لمعات من نفحات القدس" (فارسی) از شیخ محمد عالم صدیقی علوی بکوشش و مقدمه این فقیر از جانب ہمون مرکز تحقیقات طبع گردید و "فهرست نسخه های خطی قرآن مجید درکتابخانه گنج بخش۔ مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان" که حقیر تالیف نموده است، در سال (۱۹۹۳ م) از ہمون مرکز تحقیقات چاپ شده است۔

ہمراه این کارهای تحقیقی و علمی مقالات متعدد و گونا گون بزبان فارسی و اردو به مجله های مؤقر و معروف علمی و ادبی پاکستان و ایران نیز می نگاشته ام که مورد پسند اهل علم و دانش هردو کشور شده اند۔

علاوه ازین تالیف و ترجمه چند کتاب دیگر نیز کرده ام که از آنها: (۱) "جدید فارسی گرامر" (اردو) یعنی "دستور نوین زبان فارسی" و (۲) ترجمه اردوی کتاب: "بحرالحقیقه" از خواجه احمد غزالی قدس سره و . . .

(۳) "کنزالعلم و العمل" (ترجمه اردوی ۱۹۹۱ - حدیث نبویؐ) که هرسه از سوی عتیق پبلشنگ ہاؤس' لاہور طبع گردیده اند ○ کتابی دیگر بنام : "قدیم عدالتی زبان اردو" (بزبان اردو) تالیف نموده ام که مغربی پاکستان اردو اکادمی لاہور آنرا چاپ کرده است ○

قریب بیست سال میشود که بنده از محبت و شفقت علمی و روحانی حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری صاحب۔ مدظله العالی بهره مند می شوم واین سعادت هرگز بزور بازو نصیبم نگشته است بلکه بخشش و عطای بیکران خداوند متعال می باشد۔ دو سال قبل حضرت صاحبزاده صاحب۔ مدظله العالی به این حقیر فرمان داد که تذکره شیر ربانی قدس سره بزبان فارسی مرتب سازد۔ فرمان ایشان موجب صد افتخار و سعادت سرمدی گردید برای این ناچیز' لذا "تذکره احوال و مقامات زبدة الاولیا شیر ربانی حضرت میاں شیر محمد نقشبندی مجددی شرقپوری قدس سره" تالیف نموده ام که اکنون درخدمت اقدس آن محترم و بزرگوار و عالی مرتبت۔ مدظله العالی تقدیم میشود به این التماس که دعا فرمایند که این "تذکره" ذریعه سعادت دو جهان این حقیر گردد و خداوند بزرگ و برتر این گناهگار را بکرم عمیم خود به بخشد و درمحشر زیرپای اولیای عظام سلسله عالیه نقشبندیه جا نصیب فرماید۔

خاکپای اولیای کرام

احقر محمد نذیر رانجها غفر ذنوبه و ستر عیوبه

(۱۱) ذی الحجه (۱۴۱۴ھ) بمطابق (۲۳ مئی ۱۹۹۴ء)

مکان نمبر ۱۳۱۔ غازی آباد۔ کمال آباد

راولپنڈی ۔ صدر

باب اول

در احوال خانوادگی حضرت میاں صاحبؒ

حضرت نیک بی بی ہمسر میاں شهاب الدین صاحب روایت می کند که از اجداد ماسه نفراز "دیپالپور" به "قصور" آمدند۔ (۱) یکی از ایشان ازدواج نموده بودو دو تن هنوز ازدواج نکرده بودند۔ در "قصور" بالای "قلعه نواں کوٹ" قیام نمودند۔ دانشمندان و عالمان بودند و خوشنویسی قرآن کریم می نمودند و شاید همین ذریعه معاش داشتند۔ از رسم و خانواده ایشان آگاهی نیست۔ گویا بسبب قحط از "دیپال پور" مراجعت نموده اینجا (قصور) وارد نه بودند۔ صاحبی که ازیشان اهل دار بود، پس به "دیپال پور" رفت و بقیه دونفر در "کوٹ پیران" "قصور" مقیم گشتند۔ ازا این دونفر صاحبی که در "کوٹ پیران" اقامت گزین شد، نمی دانیم که از ایشان جانشینی باقی ماند یا نه؟ ولی صاحبی که در "کوٹ پکه قصور" مقیم شده بود، بزرگی به اسم حضرت صالح محمد صاحب رحمته الله علیه شهرت یافته که درسه واسطه به شجره خانوادگی ایشان می رسد۔

احوال حضرت صالح محمد صاحبؒ

حضرت صالح محمد صاحب رحمته الله علیه خوشنویسی قرآن مجید می نمود۔ حضرت میاں صاحب رحمته الله علیه می فرمود که اگر کسی از اجداد مامی پر سید که نام خانواده شما چیست؟ می فرمود : "ماخوشنویسیم!" میاں نورالحسن صاحب قصوری می گوید که از پدر بزرگوار خودشنیده بودم، وپدر بزرگوارم از جد امجد خود میاں امام الدین صاحب روایت نموده، که نوابی از آن روزگار کسی را پیش حضرت میاں صالح محمد رحمته الله

علیه فرستاد که ما گاوی را پرورده ایم و او بچه ای زائیده است۔ اکنون نمی گذارد که بچه اش شیر او بخورد و یا ما شیرش را بگیریم۔

حضرت میاں صالح محمد صاحب رحمته الله علیه فرمود:

"گاو رابگوئید که شما اورا پرورده اید و خدمتی او نیز نموده اید' لذابگذارد که شماشیرش بگیرید"۔ چون گاو را این فرمان دادند' شیر گرفتن گذاشت و مطیع گردید۔

احوال حافظ محمد عمر صاحبؒ

حضرت محمد عمر صاحب رحمته الله علیه جد بزرگوار حضرت میاں صاحب بود۔ علاوه از خوشنویسی' در طب و پزشکی مهارت خاصه داشت' مردی نهایت نیک بخت و صالح بود۔

احوال مولوی غلام رسول صاحبؒ

مولوی غلام رسول صاحب بزرگی عالی مرتبت در "قصور" می بود۔ خانه ایشان در "مکان کوٹ حاجی رانجھے خان" متصل "مسجد حاجی رانجھے خان صاحب" می بود۔ صاحب "خزینه معرفت"۔ صوفی محمد ابراہیم قصوری این خانه را زیارت کرده بود و می گوید که دراین خانه' زیرخانه ای بود که درآن مولوی غلام رسول صاحب رحمته الله علیه چله کشی و مجاهده می فرمود۔ چون قحطی درقصور پدید آمد' به "حجره شاه مقیم" رفت و آنجا مقبولیت عامه نصیب ایشان گردید۔ چون "ویدیان" حمله بر "حجره شاه مقیم" نمودند و فتح یاب گردیدند' دو سید زاده و مولوی غلام رسول صاحب

رحمتہ اللہ علیہ را دستگیر کردند، هرسه نفررا محکوم به اعدام نمودند۔ سید زادگان گفتند : این نفر (مولوی غلام رسولؒ) مولاناست و قصوری ندارد۔ چون "ویدیان" این حرفها شنیدند، مولوی غلام رسول صاحبؒ را رها نمودند۔ پس از این مولوی غلام رسول صاحب رحمتہ اللہ علیہ از "حجره شاه مقیم" به "شرقپور" مراجعت نمود و اینجا نیز مقبولیت عامه نصیب ایشان گردید۔

احوال میاں محمد حسین صاحبؒ

جدبزرگوار حضرت میاں صاحب رحمتہ اللہ علیہ، است و احوال ایشان پیدا نیست۔

احوال میاں عزیز الدین صاحبؒ

پدر بزرگوار حضرت میاں صاحبؒ، میاں عزیزالدین صاحبؒ بود، درشکل و صورت کاملاً" مشابهت به حضرت میاں صاحبؒ داشت۔ مردی نیک بخت و پارسا و متشرع بود و در سلسله عالیه قادریه بیعت داشت و ذکر و شغل درطریق قادریه می نمود۔ در رهتک (هند) مستخدم بود و همین جا راهی ملک عدم گشت۔

باب دوم

فصل اول: در ولادت باسعادت

حضرت میاں شیر ربانی قدس سره

خوشخبری : روایتی ست که سده ای قبل بزرگی از کابل آمده جد بزرگوار حضرت میاں شیرربانی قدس سره العزیز را خوشخبری و مژده ولادت باسعادت و تولد حضرت ممدوح داده بود و اسم مبارک حضرت صاحبؒ نیز تجویز فرموده بود، چون حضرت مولانا غلام رسولؒ قصبه شرقپور رامسکن خود ساخت، مثل خواجه ابوالحسن خرقانی رحمته اللّٰه علیه که قبل از تولد و ولادت سلطان العارفین خواجه بایزید بسطامی رحمته اللّٰه علیه چون در خرقان تشریف می برد، دم های طولانی می کشید و می فرمود : "بوی آمد دوست می آید" ، همینطور حضرت بابا امیرالدینؒ قبل از ولادت حضرت میاں صاحبؒ چون در شرقپور تشریف می آورد، می فرمود : "خداوند مارا باکشف گفته است که درین بلاد پاک یک شیر خدا پیدا خواهدشد" چنانچه حضرت بابا امیرالدین رحمته اللّٰه علیه درهر سال در شرقپور شریف تشریف می آورد و رونق دیار محبوب رامی افزود۔

بشارت دیگر : می گویند مجذوبی نیز سالهای قبل از ولادت حضرت میاں شیر ربانیؒ در اطراف واکناف شرقپور شریف طواف می کرد و چون مردم از او وجه و سبب این طواف می پر سیدند اومی گفت : "دراین کوچه مردی از مقبولان درگاه پروردگار اعلیٰ پیدا خواهدشد۔ من از بوی مست کننده او روحم را مسرور و دل و دماغم را معطر می سازم"۔

روایت دیگر : "میاں عبدالرشید صاحب" مقیم "چونیاں" روایت می کند که "میاں غلام محمد" گفت که "حضرت خواجه امیرالدین رحمته

اللّٰه علیه" بذریعه کشف آگاه شد و فرمود که در "شرقپور" شیر خدایی پیدا خواهد شد سپس از این کشف "حضرت خواجه صاحب موصوف" می فرمود که ما از بیست سال به "شرقپور" می رویم و در این جستجو می باشیم که آن طائر لاهوتی را به دام خود بیاوریم و نسبت نقشبندیه باوبرسانیم۔

قند مکرر : "کرم شاه صاحب" مقیم "بهوین کلاں" منطقه حافظ آباد به صوفی محمد ابراهیم صاحب نامه ای نوشت و دران گفت که هشت سال قبل ما در "شرقپور" رفتیم، کسی سالخورده را بیرون شرقپور دیدیم، از اوپر سیدیم که این احوال (مرتبت) حضرت میاں صاحبؒ از کی می باشد؟ دریا سخ گفت : قبل از ولادت ایشان ! پرسیدیم، چطور؟ گفت : درویشی (عارفی) اینجا آمده بود و اکثر و بیشتر درکوچه پدر بزرگوار حضرت میاں صاحبؒ می گشت۔ او دم طولانی می کشید، گویا که بوی خوش می شنید، از اوپر سید نلکه چرا اینطورمی کنید؟ گفت که در این کوچه روحی می آید که او بنده مقبول درگاه خداوند کریم می باشد، از این درویش پرسیدیم که در کدام خانه تولد خواهد شد، گفت درخانه میاں عزیزالدین صاحبؒ۔

روزی حضرت میاں شیر محمد صاحب المعروف شیر ربانیؒ به مؤلف خزینه معرفت (صوفی محمد ابراهیم قصوری) فرمودکه — "چون در ایام طفلی بودم، جد بزرگوارم حضرت مولانا غلام رسول صاحبؒ زبان خود را در دهانم داده بود"۔ بقول صوفی محمد ابراهیم قصوری، جد بزرگوار حضرت میاں صاحبؒ بزرگی بابرکت بود و همین طور حضرت شاه کمال کیتهلی رحمته اللّٰه علیه زبان مبارک خودرا دردهان حضرت مجدد الف ثانی قدس سره العزیز نهاده بود و ایشان آنرا مکیده بود و نسبت قادری به ایشان عطا فرموده بود۔

صاحب خزینه معرفت می نگارد : — چون نخستین یا دومین بار به شرقپور رفته بودم، این خبری عام بود و بسیار کسان سالخورده می گفتند که

حضرت میاں صاحب ولی مادرزاد است۔ از ایشان نام دو تن یادم هست' یکی: میاں امام الدین مونگا' خدای تعالی آمرزش کند' و دومی: حکیم امام الدین صاحب' خدا رحمتش کند۔ دیگر نیز از بزرگان بتواتر شنیدیم و این خبر مصدق می باشد که حضرت میاں صاحب ولی مادرزاد بود۔

بالاخر درسال ۱۳۸۲ھ آن گل نوشگفته ورشک بهاران و قرار مضطرب و شکسته دلان به حکم خداوند قدوس درخانه حضرت میاں عزیز الدین پیدا شد۔ پدر بزرگوار حضرت میاں صاحب مردی باصفا و نیک و پارسا بود و مردم این ناحیه به او خیلی احترام می گذاشتند۔

چون تولد یافت حضرت مولانا غلام رسول که دران وقت زنده بود' حضرت میاں صاحب را در آغوش گرفت و محبت کرد و زبان مبارک خود در دهان حضرت میاں صاحب داد و حضرت میاں صاحب آنرا مکید۔ حضرت مولانا غلام رسول حضرت میاں صاحب راباسینه می گرفت و باربارمی بوسید۔ بفرمان بزرگان خانواده و مطابق بشارت قبلی اسم مبارک حضرت میاں شیر ربانی را "شیر محمد" گذاشتند۔

فصل دوم: در کود کی

حضرت میاں شیر ربانی قدس سره

حضرت میاں شیرربانی رحمته اللّٰه علیه ولی مادرزاد بود و در کود کی از بازی کردن بیزار بود و خلوت را دوست می داشت و شیدا و شیفته اسم گرامی "اللّٰه" بود و این اسم رب العالمین را از هر چیز جهان زیاد تر می پسندید و عزیز ترمی داشت۔

حرفهای عارفه در کودکی: روایتی ست که درپنج شش سالگی در قبرستان می رفت۔ چون والده ماجدهٔ می پرسید که کجا رفته بودی؟ حضرت صاحب می فرمود که برای ملاقات و زیارت بزرگان رفته بودم!

حالت مستانه: گاه بگاه درجوش عشق الٰہی اینطور دیوانه می شد که انگا ره هارا در دهان خود می گناشت و این هارا می خورد و گاه دیگچنه جوشیده را بادهان می گرفته و فرموده که این

چیزها نیز خداوند هستند۔

ذوق ذکر الٰہی: می گویند که چون در مسجد تشریف می برد در گوشه ای نشسته "اللّٰه" "اللّٰه" می کرد۔ چون در خطاطی محو می گشت، اسم اعظم "اللّٰه" و اسم مبارک "محمدؐ" راقلمبند می فرمود۔ و بادوستان نشسته و یکزبان شده در ذکر الٰہی مشغول می شد۔

روش عارفانه در کودکی: بگفته صاحب خزینه معرفت: حال ایشان درطفلگی مثل حضرت جنید بغدادی قدس سره بود، که نه بمراه طفلان بازی می نمود و نه همراه ایشان نشست و برخاست می داشت، بلکه خلوت را می پسندید، چون درمکتب رفت، مزاج ایشان به کودکان مناسبت نمی گرفت، درسه چهار سال قرآن مجید و دیگر کتب مروجه مکتب را خواند و

درنگاشتن نیز مهارت حاصل نمود۔

قند مکرر : حکیم علی محمد صاحب، مقیم "بلوکی" از پدر بزرگوار خود : حکیم پیر بخش روایت می کند که :۔ جد بزرگوار حضرت میاں صاحب رحمته اللّٰه علیه، مولانا غلام رسول صاحب، هرجزوی که از قرآن مجید برای خواندن به حضرت میاں صاحبؒ می داد، بکثرت اشک، ورق آن در چندروز پوسیده می گشت و چون جد بزرگوار ایشان راجع به این می پرسید، علاوه از سکوت و گریه جوابی نمی داد۔

حیا : میاں امام الدین صاحب زرگر مقیم "شرقپور" می گوید که "حضرت میاں صاحبؒ" در هنگام کودکی چون از کوچه می گذشت، روی سر و صورت خود نقاب می داشت و زن های کوچه می گفتند که : — "در کوچه ما دختری متولد شده که بررو نقاب گرفته، راه می رود"۔

وجد در ذکر الهی : روایتی ست که در کود کی بعد از نماز عشاء حضرت میاں شیرربانی قدس سره همراه محبان و دوستان بالای مسجد می رفت و باذوق و شوق تمام در ذکر الهی مشغول می گشت۔ و در حال ذکر در جذبه و جوش می آمد که وجد بر او طاری می شد و ناگاه از سقف مسجد بر زمین می افتاد ○

وارفتگی عجیب : وگاهی در شب از شهر بیرون می رفت و در کنار خیابان نشسته در ذکر الهی محو می شد۔ چون حالت ایشان متغیر می گشت و در بی قراری دوستی رابا سینه می گرفت و از سینه مبارک حضرت صاحبؒ صدای "اللّٰه هو" می شنیدند "سبحان اللّٰه"۔ این حال در کودکی داشت۔

فصل سوم : در آموزش و پرورش حضرت میاں شیرربانی قدس سره

آغاز آموزش از آیات قرآن گشت : چون حضرت میاں شیرربانی قدس سره العزیز قابل راه رفتن شد، از آیات قرآن مجید آغاز آموزش کرد۔ کتاب ابتدائی (قاعده اول) را بزودی از برنمود۔ زیر سرپرستی والده بزرگوارهٔ و عم مکرم حضرت میاں حمید الدینؒ قرآن مجید را ناظره ختم فرمود۔ عم مکرم، حضرت صاحبؒ را در مدرسه کودکان برد و نام ایشان ثبت کرد۔

آموزش کلاس پنجم و کتب عربی و فارسی مروجه آن روزگار : می گویند حضرت صاحبؒ در مدرسه خوش نبود۔ چون وقت مدرسه تمام می شد، حضرت صاحب سوی مسجد رخ می نمود و در مسجد رسیده و سرخم کرده در گوشه می نشست۔ در مدرسه تا کلاس پنجم ابتدائی آموزش و پرورش رسمی را اخذ نمود۔ چون مشیت رب کریم دیگر بود لذا از تعلیم مدرسه فارغ التحصیل شده در تعلیم کتب عربی و فارسی مروجه و متداوله آن روزگار مشغول گشت و بکوششهای جد بزرگوار حضرت حافظ محمد حسین رحمته الله علیه و عم مکرم حضرت حمید الدین رحمته الله علیه در راه آموزش و پرورش گام می زد و در روایتی ست که از عم بزرگوارؒ خود کلام مجید و چند کتب فارسی آموخته بود و سپس نصاب مروجه از بزرگان دیگر مثل حکیم شیر علیؒ که شاگرد رشید مولانا غلام رسولؒ بود نیز درس می خواند۔

بهره مندی از عرفان الهی : معروف است که چون حضرت میاں شیرربانی قدس سره سیپاره (جزی قرآن عظیم) می خواند، اشکها از چشم مبارکش رو ان می گشت و سیپاره از آب رسیدگی خسته می شد۔ چون جد بزرگوارؒ سبب

اشک فشانی می پرسید، حضرت صاحب خاموشی اختیار می فرمود۔ گویا بزبان حال می گفت کہ خداوند کریم مرا عرفان خود نصیب فرمودہ است و من در یاد الٰہی محو و مستغرق گشتہ گریان می شوم ○

مہارت درفن خطاطی : حضرت مولانا شیرربانی قدس سرہ فن خطاطی را از وراثت آباء و اجداد یافتہ بود لذا درخوشنویسی و خطاطی مہارت خاصہ پیدا کردہ بود و در خط ہای گونا گون مشق می فرمود۔ در بیاض ہا آیات قرآن و کلمات دیگر بالخصوص اسم اعظم "اللّٰہ" (جل جلالہ) و نام مبارک "محمد" (صلی اللّٰہ علیہ وسلم) رابا خیلی قشنگی و زیبائی خطاطی می فرمود۔ کاتبان و خوشنویسان ماہر این ہارا دیدہ انگشت بدندان می گشتند۔ در این فن نیز مقصود حضرت میاں صاحبؒ فقط حصول و وصول الی اللّٰہ بود۔ زیرا کہ فقط حمد و ثنای باری تعالٰی و نعت رسول مقبول صلی اللّٰہ علیہ وسلم و اسمای نبوی را بانقش و نگار رقم و تحریر می فرمود و خط مبارک حضرت صاحبؒ مظہرہ محبت الٰہی و عشق رسول مقبولؐ بود۔

فصل چہارم: در عالم شباب

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ

حضرت شیرربانیؒ محب صادق و عاشق حقیقی بود، در آغاز ورود بہ جہان در عشق الٰہی مستغرق گشتہ بود و چون حرف می زد، کلامش از عشق الٰہی مملو می بود و چون در مکتب می رفت، درسش یاد و ذکر الٰہی می بود چون آغاز نگارش می نمود، دستش اسم الٰہی و نام گرامی "محمد مصطفٰی" صلی اللّٰہ علیہ وآلہ وسلم رقم می فرمود و چون ہمراہ دوستان می نشست، اسم "اللّٰہ" جل جلالہ از زبان بلند می کرد و درخلوت و جلوت در ذکر الٰہی

مشغول می بود۔ جوانی و عالم شباب حضرت صاحبؒ نیز نمونه عالی ذکر و عبادت و یاد الهی می بود:

قیاس کن ز گلستان من بهار مرا

خلوت گزینی: چون حضرت شیربانی رحمته الله علیه از کودکی به حد جوانی وارد شد، تاکنون نیز در قبرستان می رفت و در قبرهای شکسته و خراب شده می خوابید و کیف و لذت روحانی زیاد محسوس می کرد و در عالم آخرت مستغرق می گشت۔

حالت سکر: حضرت میاں شیربانیؒ در عشق الهی این طور فنا گشته بود که چون صدای چرخی می شنید، در وجد می آمد و حالت سکر بر ایشان غلبه می کرد و درین حال بر هر کسی که نگاه می فرمود، او نیز در وجد می آمد۔

عربی در وجد آمد: یک نفر عربی در مسجد حضرت شیربانی رحمته الله علیه آمد، چون حضرت میاں صاحبؒ را دید، گفت: "این مجنون است"۔ حضرت میاں صاحبؒ که همواره سرشار از می توحید می بود، چون نگاه مخمور عرفانی سوی این عربی فرمود، او در وجد آمد۔

شفقت باخلق خدا: حضرت صاحبؒ شبی به مادر بزرگوارهٔ خود فرمود که مرا سرد است۔ مادر بزرگوارهٔ حضرت میاں صاحبؒ رالحافی پوشانید۔ بعد ازان فرمود: "مادر جان سرما تاکنون اذیتم می دهد"۔ مادر بزرگوارهٔ فرمود: "امروز شمارا چه است؟" فرمود که آیا مهمانی درخانه داریم؟ مادر بزرگوارهٔ فرمود: "آری"! حضرت فرمود: "آنان را رخت خواب وغیره داده اند؟" "چرانه؟" مادر گفت۔ حضرت صاحبؒ فرمود: "همراه اش اسپی است؟" مادرگفت: "آری، همراه او اسپی ست که آن را بیرون بسته اند"۔ حضرت صاحبؒ فرمود: "مادر جان وقتی که آن اسپ از سرما محفوظ شد، سرمای من نیز کم می شود"۔ سبحان الله۔

یاری و کمک به مفلسان: حضرت صاحبؒ چون کسی مفلس را می دید که احتیاج به جامه دارد' از خانه جامه می آورد و اورا می داد و چون می دید که کسی گرسنه است' از خانه طعام می آورد و به او می خورانید۔

تقوی کوشی: میگویند درویشی بوبه نام فضل دینؒ که در مسجد حضرت میاں شیرربانی قدس سره اقامت داشت' مردی بود خیلی متقی و نیک۔ طعام از خانه مشتبه هرگز نمی خورد و بر کسانیکه اعتماد کامل داشت که رزق ایشان حلال و طیب است' از ایشان آرد می گرفت و بدست خود نان می پخت۔ حضرت میاں صاحبؒ نان خود به او می داد و نانی که او می پخت' آنرا تناول می فرمود۔

دوست و مسکین پروری: حضرت میاں شیرربانی قدس سره خیلی دوست پرور و مسکین نوازبود۔ اکثر و بیشتر از بازار و دکان ها چیزهای خورش و نوش می آورد و دوستان و مسکینان که احتیاج مند می بودند' را مجانی می داد۔ و این کار خیر تاحد می کرد که مقروض می گشت۔

بشارت غیبی: روزی پدر بزرگوارؒ حضرت میاں صاحبؒ وقت سحری بر اسبی سوار شده به کاری خود تشریف می برد که کسی لگام اسب او گرفت و گفت: "پسری را که شما دیوانه خیال می کنید وبا او نا راحت می شوید' روزی مرد اقبال مند و صاحب مرتبه ای خواهد گشت و نام اوخیلی شهرت خواهد یافت مگر شما آن رانخواهید دید"۔

پدر بزرگوارؒ حضرت میاں صاحبؒ ازین بشارت غیبی' از مستقبل و آینده روشن و شاندار پسرش آگاه شد و بعد ازین همواره با حضرت میاں صاحبؒ خیلی مهربان می بود و وامهای (که حضرت میاں صاحبؒ برای کمک و یاری دوستان و مسکینان و احتیاج مندان می گرفت) حضرت میاں صاحبؒ را ادامی نمود۔

قبولیت دعا: بگفته تذکره نگاران حضرت شیرربانی قدس سره روزی در

هوای تابستان گرم برسقف مسجد نشسته بود. ناگاه درحال سکر آمد و از سایه بلند شده در آفتاب رفته بر زمین دراز کشیده و از بان مبارکش می فرمود که باید ما از گرمای مولا کریم نیز لطف اندوز بشویم. بعد ازان از گرما و آفتاب عرق از بدن مبارک حضرت صاحبؒ چکیدن گرفت و حضرت صاحبؒ ایستاده گشته نشست و نگاهش به آسمان کرده گفت : خداوندا اکنون باران بده و هوا را سرد بفرما که برای تو مشکل نباشد ! می گویند که همون وقت بر آسمان پاره ای ابرنمودار گشت و باران آمد. حضرت میاں صاحب قدس سره از سقف مسجد پائین آمد و بادوستانش نشسته گریه می کرد و استغفار می خواند و می فرمود : "نمی دانم که خداوند باران دادن می خواست یا نه؟ چرا من خواهش این کردم؟" تا روزهای زیاد همین کلمات تاسف آمیز بر زبان مبارکش جاری می بود و به عجزو انکسار خود اشکها می ریخت.

شهسوار بلند مرتبه ای : حضرت میاں شیرربانی قدس سره از آغا زعمرش خیلی دوستدار سوار شدن بر اسب می بود. اسبی تند و تیز و بدخو چون در رکاب حضرت می آمد و حضرت صاحبؒ لگام او گرفته برآن سوار می گشت، آن اسب مطیع و فرمانبردار حضرت صاحبؒ می شد. می گویند که برخی مرد مان حضرت میاں صاحبؒ را "ملک الموت" اسبان می گفتند.

باری مردم از ده دیگر بر موقع ازدواج عزیزی در شرقپور شریف آمد ند و همراه ایشان اسبی بدخو بود. چون آنان داستا نهای شاهسواری حضرت میاں صاحب قدس سره شنیده بودند لذا برای آزمائش و امتحان حضرت صاحبؒ اسب بدخوی خود را در حضور حضرت صاحبؒ آوردند و گفتند که لطفاً بر این اسب سوار بشوید. حضرت میاں صاحبؒ فوراً بر اسب منکوره سوار گشت و اسبی که به بدمزاجی خود معروف بود و هرگز نمی گذاشت که کسی بزودی و به آسانی برپشتش سوار شود اصلاً دمی نکشید و از جای خود پائی نبرد اشت و مطیع و فرمانبردار حضرت صاحبؒ گشت و حضرت صاحبؒ هر

جانبی که لگامش می کرد' آن طرف راه می رفت۔ چون مردم این کرامت حضرت صاحب دیدند' فوراً در عقیدتمندان حضرت صاحبؒ شامل گشتند۔

اندازه اراده یا قوت : قاضی ضیاء الدین لاہوری روایت می کند که مولوی یار محمد مرحوم فرمود که باری حضرت میاں صاحبؒ بموضع "چونیاں" تشریف بردند۔ وقت برگشتن حضرت میاں صاحبؒ' کسی اسبی برای سوار شدن حضرت میاں صاحبؒ آورد و آن اسبی بود' بسیار تیز رفتار و زور آور' ولی حضرت میاں صاحبؒ' این را در خاطر نیاورد و چون اسب نزد حضرت میاں صاحبؒ آمد' حضرت میاں صاحب برپشتش دست مالید و بر ان سوار گشت۔ اسب هیچ حرکتی ناشائسته نکرد و به آرام راه رفت۔ پس حضرت میاں صاحبؒ از "چونیاں" جائی دیگر سفر کرد و گویا در حجره شاه مقیم تشریف برد۔

فصل پنجم: در بیعت مرشد تا عطای خلافت

راه روان جاده عرفان و تصوف همواره می خواهند که هر نفسی ایشان در محبت و ذکر و عبادت الهی صرف گردد۔ لذا ایشان در عبادت و ریاضت محو می شوند و در رہنمائی مرشدان کامل و مکمل این منازل و مراحل را باکمال صدق و صفا طی می کنند۔ ایشان می دانند که هیچ عبادت و ریاضت که خلاف سنت خیر الانام صلی اللہ علیه وآله وسلم باشد' مقبول نمی گردد:

خلاف پیمبر کسی راگزید که هرگز بمنزل نخواهد رسید

شجره طریقت حضرت شیرربانی قدس سره : حضرت میاں شیرربانی قدس سره چون از علوم ظاهری کسب و اخذ نصیب خود کرد' بردست مبارک حضرت بابا امیرالدین نقشبندی رحمته اللہ علیه (ساکن

کوٹله پنجو بیگ) بیعت نمود که یکی از بزرگان و عارفان سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه بود۔ زنجیره و شجره طریقت حضرت میاں شیرربانی قرار زیر است:

حضرت میاں شیرربانی شیر محمد رحمته اللّٰه علیه مرید حضرت خواجه امیرالدین قدس سره (م ۹ ذیقعد ۱۳۳۱ ھ کوٹله پنجو بیگ بخش شیخوپوره) و ایشان مرید حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره (م ۱۳ شوال ۱۲۸۲ھ) و نیز ایشان استفاده از خواجه صادق علی شاه قدس سره فرزند و جانشین حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره کرده بود و حضرت خواجه امام علی شاه قدس سره (که مزار ایشان در رتڑ چھتر مکان شریف' نزد گورداس پور هند واقع است) مرید حضرت خواجه قاضی احمد دمائی قدس سره (م ۱۲۲۳ ھ) که ساکن موضع قاضی گوٹھ احمد' علاقه سند) و ایشان مرید حضرت خواجه محمد زمان قدس سره (م ۴ ذیقعد ۱۱۸۸ ھ' ساکن لواری شریف' بخش بدین' سند) و ایشان مرید حضرت خواجه شیخ محمد تتوی قدس سره (م ۹ ذوالحجه مکه مکرمه) مرید حضرت محمد حنیف پارسا قدس سره (م یکم صفر ۱۰۲۳ھ' بامیان از توابع کابل) و نیز از روحانیت حضرت خواجه زکی قدس سره (م ۱۱۴۳' تکی لاتھی) استفاده فرمود و حضرت خواجه محمد حنیف پارسا قدس سره مرید حضرت خواجه عبدالاحد قدس سره (م ۲۷ ذوالحجه ۱۱۲۶ھ' سرهند شریف) که ایشان بیعت و مرید پدر بزرگوار خود حضرت خواجه محمد سعید (م ۲۸ جمادی الثانی ۱۰۷۰ھ' سرهند شریف) وسپس از عم بزرگوار خود حضرت خواجه محمد معصوم (م ۹ ربیع الاول ۱۰۷۹ھ' سرهند شریف) نیز استفاده روحانی فرموده است و خواجه محمد سعید قدس سره مرید حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرهندی قدس سره (م ۲۸ صفر ۱۰۳۴ھ' سرهند شریف) وایشان مرید حضرت خواجه محمد باقی باللّٰه قدس سره (م ۲۵ جمادی الثانی ۱۰۱۲ھ' دهلی شریف) وایشان مرید حضرت خواجه محمد امکنگی قدس سره (م ۲۲ شعبان المعظم) (۱۰۰۸ھ' موضع امکنه نزد بخارا) وایشان مرید حضرت مولانا محمد درویش

قدس سرہ (م ۲۹ محرم ۹۰۷ ھ، استقرار مضافات ماوراء النہر) وایشان مرید حضرت مولانا زاھد ولی قدس سرہ (م کیم ربیع الاول ۹۳۹ھ، موضع و خش) وایشان مرید حضرت خواجہ عبیداللّٰہ احرار قدس سرہ (م ۲۹ ربیع الاول ۸۹۵ھ، سمرقند) وایشان مرید حضرت مولانا یعقوب چرخی قدس سرہ (م ۵ صفر ۸۵۱ ھ، حلفتو) وایشان مرید حضرت خواجہ علاء الدین عطار اقدس سرہ (م ۲۰ رجب ۸۰۲ ھ، موضع چغانیان) وایشان مرید امام الطریقت و الشریعت بانی سلسلہ نقشبندیہ حضرت خواجہ بہاء الدین نقشبند قدس سرہ (م ۳ ۔ ربیع الاول ۷۹۱ ھ، قصر عارفان، بخارا) وایشان مرید حضرت خواجہ امیر کلال قدس سرہ (م ۸ جمادی الاول ۷۷۲ ھ، "سورخا" نزد بخارا) وایشان مرید حضرت خواجہ بابا سماسی قدس سرہ (م ۱۰ جمادی الثانی ۷۵۵ ھ، موضع "سماس" نزد بخارا) وایشان مرید حضرت خواجہ رامیتنی قدس سرہ (م ۲۸ ذی قعدہ ۷۲۱ ھ، خوارزم منطقہ بخارا) وایشان مرید حضرت خواجہ محمود انجیر مغنوی قدس سرہ (م ۷۱۵ ھ، انجیر فغنہ) وایشان مرید حضرت خواجہ عارف ریوگری قدس سرہ (م کیم شوال ۶۱۶ ھ، "ریوگر" نزد بخارا) وایشان مرید حضرت خواجہ عبدالخالق غجدوانی قدس سرہ (م ۱۲ ربیع الاول ۵۷۵ ھ، غجدوان) وایشان مرید حضرت خواجہ یوسف ھمدانی قدس سرہ (۲۷ رجب ۵۳۵ ھ، مرو) وایشان مرید حضرت خواجہ ابو علی فارمدی قدس سرہ (م ۴ ربیع الاول ۴۷۷ ھ، طوس) وایشان مرید حضرت خواجہ ابوالحسن خرقانی (م ۱۰ محرم ۴۲۵ ھ، خرقان) وایشان مرید حضرت بایزید بسطامی قدس سرہ (م ۱۴ شعبان ۲۶۱ ھ، بسطام) وایشان مرید حضرت امام جعفر صادق قدس سرہ (۱۵ رجب ۱۴۸ ھ، مدینہ منورہ) وایشان مرید حضرت امام قاسم بن محمد ابی بکر رضی اللّٰہ تعالٰی عنہ (م ۱۴ جمادی الاول ۱۰۱ ھ، مدائن) وایشان مرید حضرت سلمان فارسی رضی اللّٰہ تعالٰی عنہ (م ۱۰ رجب ۳۳ ھ، مدائن) وایشان مرید صدیق اکبر حضرت ابوبکر صدیق رضی اللّٰہ عنہ (م ۲۲ جمادی الثانی ۱۳ ھ، مدینہ منورہ) وایشان مرید سیدالمرسلین و خاتم النبیین ورحمتہ للعالمین سیدنا و شفیعنا و سلیتنا فی الدارین حضرت محمد مصطفٰی صلی اللّٰہ علیہ وآلہ وسلم، وصال مبارک (۱۲

ربیع الاول ۱۴ھ، مدینه منوره) ـ

درخدمت حضرت سعادت علی رحمته اللّه علیه : حضرت میاں شیرربانیؒ در عبادت و ریاضت مشغول می بود و جستجو می کرد که بیعت مرشدی بکند که کامل و مکمل باشد۔ بزرگی از خانواده حضرت میاں شیرربانیؒ تعلق روحانی به "حجره شاه مقیم" داشت۔ لذا در آغاز به "حجره شریف" در خدمت حضرت پیر سعادت علی سجاده نشین حجره شاه مقیم رفت۔ حضرت پیر سعادت علیؒ چون دانست که حضرت میاں صاحب برای بیعت نمودن با ایشان آمده است، فرمود : مرشدی بلند مرتبه و کاملی رابجو که ما از دستگیری عاجز آمده ایم۔

بیعت باحضرت بابا امیرالدین نقشبندیؒ : در آن روزها حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قدس سره اکثر و بیشتر از "کوٹله شریف" به "شرقپور شریف" نزد جد بزرگوار حضرت میاں شیرربانیؒ تشریف می آورد و درخانه ایشان که قریب مسجد شرقپور بود، اقامت می فرمود۔ مدتی در شرقپور شریف قیام می کرد و بعداً به خانه خود در کوٹله شریف برمی گشت۔

حضرت بابا امیر الدین نقشبندیؒ از عارفان بلند مرتبه و کامل مکمل سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه بود۔ روزی باتصرف روحانی حضرت میاں شیرربانی قدس سره را جانب خود کشید۔ حضرت میاں صاحبؒ همون وقت بیعت ایشان کرد و در مرید ان و عقیدت مندان ایشان شامل گشت۔ حضرت بابا امیرالدینؒ توجه خصوصی روحانی بر حضرت میاں صاحب نمود و تلقین ذکر و وظائف سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه فرمود۔ حضرت میاں صاحب در حالت جذب و سکر آمد و بیخود شده گریبان چاک نموده در عالم بیقراری بردر مساجد می رفت و در ذکر الهی مشغول شده "اللّه، اللّه" می فرمود و در بیابان ها می رفت و در ذکر و فکر و عبادت الهی و ریاضتهای شاقه می نمود و مدتهای زیاد در عالم سکر بود۔

طی منازل عرفانی : ہمواره خدمت پیر و مرشد می کرد و در سهای روحانی که از پیر و مرشد می گرفت، آنهار اکاملاً در معمولات خود شامل می کرد لذا در وقت خیلی کم در ادای اشتغال سلسله نقشبندیه مجددیه کمال حاصل نمود۔ لطایف شش گانه ادا فرمود و منزل سلطان الذکر طی نمود و مهارت خاصه در ذکر نفی و اثبات و طریقه یادداشت حاصل کرد و در اتباع سنت خیرالانامؐ مستغرق شده منازل فنا فی الشیخ و فنا فی الرسول و فنا فی اللّه را طی نمود۔

چون پیر و مرشد حضرت میاں شیر ربانی قدس سره را در معراج کمال دید، حضرت میاں صاحبؒ را در حضور خود طلب فرمود و تحریر عطای خلافت به حضرت میاں صاحبؒ پیش نمود۔ حضرت میاں صاحبؒ عرض کرد : "حضرت من برای خلافت مرید نگشته بودم بلکه مقصودم این بود که از فیض و برکت بیعت شما بنده معبود حقیقی بشوم"۔ حضرت بابا امیرالدین نقشبندیؒ معذرت حضرت میاں صاحب را شرف قبولیت بخشد۔

کسب علوم ظاهری و نقلی از مرشد خود : حضرت بابا امیرالدین قدس سره اکثر و بیشتر در شرقپور تشریف می آورد و حضرت میاں شیرربانی قدس سره همواره شب و روز خدمت پیر و مرشد خود می کرد۔ باری حضرت امیر الدین به مرید صادق خود حضرت میاں صاحب را فرمود که زیر سرپرستی من کتب سیر و سوانح انبیاءؑ و عرفاء و طریقت و شریعت را مطالعه بکنید۔ لذا حضرت میاں صاحب ارشاد مرشد و شیخ خودرا تعمیل کرد و این طور کسب علوم ظاهری و نقلی را نیز بلا واسطه از مرشد کامل و مکمل خود اخذ نمود۔

عطای خرقه خلافت : مرشد و شیخ مشفق و کامل بر حضرت میاں شیرربانی قدس سره خیلی لطف و شفقت و عنایت می فرمود۔ چون "خلافت نامه" تحریر فرموده به حضرت میاں صاحبؒ خرقه خلافت پوشانیدن

میخواست، حضرت میاں صاحبؒ خاموش می ماند یا معذرت می کرد۔ روزی بر موقع مناسب به خدمت مرشد خود التماس نیز کرده بود که مخدوما من خودم را لائق و سزا وار این مرتبت نمی دانم و معذرت می خواهم۔

دو و نیم سال همین طور گذشت۔ روزی حضرت بابا امیر الدین حضرت میاں صاحبؒ را طلب کرده فرمود : "اگر مرا مرشد خود خیال می کنید، گفته من را قبول کنید و مزید پس و پیش نکنید۔ اکنون وقت من قریب است و نوبت کار شمامی آید لذا هر جائیکه می گویم آنجا بروید و خدمت مردم و خلقت خدا بکنید۔ در همین فلاح شماست و یقین بکنید که از ین فریضه و کار هیچ چیز افضل تر نباشد۔ هر چه دارید در تقسیم آن بخل نکنید و هر چه ندارید از خالق و پروردگار امید داشته باشید که شمارا حتماً می دهد۔ هر چه طلب می کنید نصیب خود رامی یا بید و اکنون جای فرار برای شما نیست"۔

سپس حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قدس سره بدست مبارک خود خرقه خلافت به حضرت میاں شیرربانی قدس سره را پوشانید و دستار روی سر مبارک ایشان بست۔ حضرت میاں صاحبؒ سند خلافت و دستار و خلعت خلافت را بسرو چشم فرسوده و دربارگاه خداوند سجده شکر بجا آورد۔

بنای خانقاه نقشبندیه در شرقپور شریف: بعد از عطای خرقه خلافت حضرت بابا امیرالدین نقشبندی قدس سره حضرت میاں شیرربانی قدس سره را فرمود که در شرقپور بروید و مردم را در راه حق رهنمائی بفر مائید۔ لذا حضرت میاں صاحبؒ از خانقاه پیر و مرشد به شرقپور شریف تشریف آورد و بر مسند ولایت متمکن گشت و در شرقپور شریف بنیاد خانقاهی از سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه نهاد و در رهبری و رهنمائی طالبان حق مشغول شد۔ در مدتی کم و قلیل شهره این خانقاه در همه منطقه و کشور معروف گشت و مردم ازراه های دور شبه قاره پاک و هند به جانب این خانقاه می دویدند و

این سلسله تاکنون جاری ست۔

افتخار مرشد: حضرت بابا امیرالدین قدس سره مرشد حضرت میاں شیرربانی قدس سره می فرمود که اگر خداوند از من پر سید که از دنیا چه آورده اید؟ من "شیر محمد" (حضرت میاں شیرربانیؒ) را در حضور خداوند پیش خواهم کرد۔ "سبحان اللّٰه"۔

فصل ششم: در مسافرت های روحانی

حضرت میاں شیرربانی قدس سره همواره در شرقپور شریف می بود زیراکه مردم از راه های دور و دراز به شرقپور شریف می آمدند و معروف شده بود که خانقاه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف از وجود مسعود حضرت میاں شیر ربانی رحمته اللّٰه علیه نشان و وسیله مشکل کشایی و غمگساری خلقت خدا می باشد۔ لذا حضرت میاں صاحبؒ خیلی کم به مسافرت می رفتند۔ مردم نمی گذاشتند که حضرت صاحبؒ از شرقپور شریف بیرون برود و حضرت میاں شیرربانی قدس سره نیز بامعمولات خویش خیلی علاقه مندبود و همیشه در عبادت الهی مستغرق و در تبلیغ و آموزش طالبان حق و مریدان و عقیدتمندان خویش مشغول می بود۔

بازهم با پابندی خاصه در "قصور" می رفت و سفر لاهور برای زیارت درگاه حضرت شیخ ابوالحسن علی هجویری معروف به "داتا گنج بخش" رحمته اللّٰه علیه و مسافرت به پیشاور برای زیارت مقبره حضرت شاه محمد غوث قادری معمول ایشان گشته بود و با آغا شاه سکندر قادری نیز ملاقات کرد۔ باحضرت خواجه محمد باقی باللّٰه قدس سره و حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سر هندی قدس سره عقیدت و محبت خاصه داشت لذا بارها به مسافرت های دهلی و سرهند شریف (هند) تشریف می برد۔ سفر های روحانی

پانی پت (هند) برای زیارت درگاه غوث علی شاه پانی پتیؒ کرده بود و مسافرت روحانی کرنال (هند) نیز فرمود۔ درمولتان برای زیارت درگاه حضرت خواجه بهاء الحق والدین زکریا مولتانیؒ تشریف می برد و مسافرت به بریلی (هند) باملاقات کردن با اعلیٰ حضرت شاه احمد رضا خان بریلوی رحمته اللّٰه علیه نیز کرده بود۔ برای زیارت مزار حضرت قاضی احمد دمانی قدس سره در موضع قاضی گوٹھ احمد' منطقه سند تشریف برده بود و در قصبه بیر بل شریف (بخش سرگودها) و قصبه للّٰه شریف (بخش جهلم) نیز رفته است۔ دو بار مسافرت گولڑه شریف (بخش راولپنڈی) کرده بودو باحضرت پیر محمد علی شاه ملاقات روحانی فرموده بود۔

درخانه های مریدان و اراد تمندان قیام کردن هر گز پسند نمی فرمود۔ ارادتمندانی خیلی کم را شرف مهمان نوازی حضرت میاں شیر محمد ربانی قدس سره نصیب گردیده است۔

باب سوم:

فیضان مبارک

فصل اول در اتباع سنت

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ پیکر اتباع سنت بود۔ در ہرقول و فعل پاسداری سنت رسول مقبول صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم می کرد۔ اگر کسی عملی خلاف سنت می نمود و حضرت میاں صاحب آن را می دید' اظہار ناراحتی و ناگواری زیاد می فرمود۔ درہرکاری و فعلی می خواست کہ سنت خیرالانام صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم جاری و ساری باشد۔ در نماز صفہارا بمطابق سنت با دست مبارکش درست و راست می فرمود۔ در عبادت و ریاضت و گفتار و کردار و آداب و معاشرت و نشست و برخاست و وضع و قطع خویش' ہموارہ سنت رسول اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم را دوست می داشت۔ غرضیکہ در ہر لمحہ زندگانی خود تفسیر عملی آیہ کریمہ: "اطیعو اللّٰہ واطیعوا الرسول" می بود۔

چون کسی عملی خلاف سنت می کرد' حضرت میاں صاحب آنرا بنظر حقارت می نگریست و عزت و احترام او ہرگز نمی کرد و اکثر و بیشتر می فرمود کہ اگر مسلمان عمل خلاف سنت و غیر مشروع رابینند' باید مثل گرگ گرسنہ کہ بر بز حملہ آور می شود' بر مخالف پیغمبر اکرم و تارک سنت بہ افتد۔

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ در زندگانی مبارکش روح و معنویت اتباع سنت را تازہ نمود۔ ہر کسی کہ در خدمت ایشان حاضر می گشت' او را تاکیدمی فرمود کہ در اتباع سنت رحمت دو عالم صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم کوشاں باشد کہ کامرانی دو جہاں در پیروی سنت می باشد۔ حضرت

میاں صاحبؒ محب و عاشق صادق آنحضرت صلی اللّٰه علیه وآله وسلم بود۔ اکثر در حال سکر می فرمود که ما از رسول اکرم صلی اللّٰه علیه وآله وسلم آگاه هستیم و چون در حال صحومی آمد' می فرمود :۔"بعد از خدا بزرگ توئی قصه مختصرا"۔

شادروان (مولوی) میاں سر محمد شفیع برادر خاله زاد حضرت میاں شیر ربانی قدس سره بود۔ باری حضرت میاں صاحب پیش خاله خود به لاہور تشریف برد و به خاله خود فرمود : "خاله جان چه پسری مخنث زائیده اید که نه ریش دارد و نه سبیل ! اگر امروز او ریش می داشت' چون در کونسل (کمیتیه) انگلیسیه می نشست' چقدر قشنگ می بود و از شکل و صورتش چه رعب و دبدبه اسلام بر دل انگلیسیها نقش می گشت و انگلیسیها می دانستند که مسلمان اینقدر بارعب و باوقار می باشند' مگر تاسف می خورم که او (میاں محمد شفیع) عیسائی (نصرانی) گشته است (یعنی شکل و صورتش مثل مسلمانان ندارد"۔

حضرت میاں صاحبؒ باری به سر محمد شفیع فرمود : "دلم نمی خواهد که اسم شما برزبان رانم۔ اسم شما چقدر قشنگ است۔ رعایت اسم شما بکنید و بسگالید و بفهمید که صورت پدر شما چقدر عالی بود۔ امروز شما آن طور شکل و صورت هارا دوست ندارید۔ درحقیقت این هم خطای همون بزرگان هست که شمارا در ولایت (لندن) فرستاده اند۔ اگر ایشان شمارا آنجا نمی فرستادند' شکل و صورت شما هر گز مسخ نمی شد"۔

روزی افسری از اداره قطار (ریلوے سپریٹنڈنٹ) درخدمت حضرت میاں شیرربانی قدس سره آمد که ریش و سبیل تراشیده و برسر کلاه اداری و محکمانه داشت۔ حضرت میاں صاحبؒ از او پر سید که شمارا چقدر حقوق (تنخواه) می دهند؟ گفت : "هزاریا یازده صد روپیه !" حضرت میاں صاحبؒ لطمه ای زور دار طوری بر رخسارش زد که کلاه اش دور افتاد و سپس فرمود

که آیا این هزار روپیه شمارا از "منکر و نکیر" محفوظ خواهد داشت و "پلصراط" را بوسیله همین عبور خواهی کرد؟ و آیا وقت حساب و کتاب درمحشر رشوه داده درجنت خواهی رفت؟ آیا مسلمانی همین است؟ همه فرزندان انگلیسیها اند و در انگلستان فرزندان بدون پدر همین طور می باشند۔

اہل دنیا کافران مطلق اند
روز و شب دربق بق و در رق رق اند
اہل دنیا چه کهین و چه مهین
لعنت اللّٰه علیهم اجمعین
اہل دنیا چون سگ دیوانه اند
دور شو زیشان که بس بیگانه اند

باز فرمود :۔ "آقا پاسداری قانون خداوند چیزی ست' آنرا کسی ادامی کند که خالق و مالک خویش را احترام بگزارد"۔ این افسره از بیان مبارک و تنبیه حضرت میاں صاحبؒ خیلی متاثر گردید و در آینده حالت خود را درست نمود۔

فصل دوم: در ارشاد و تبلیغ دین : اکثر عالمان در خدمت حضرت میاں شیرربانی قدس سره حاضر می گشتند۔ حضرت صاحبؒ از ایشان می پر سید اکنون حال پاسداری شریعت چه طور است؟ برخی می گفتنه اکنون حال پاسداری شرع خیلی خوب است! مردم نماز هامی خوانند و روزه هامی گیرند۔

حضرت میاں صاحبؒ می فرمود که وضع حقوق مردم چطور است؟ پدر دشمن پسر و زن دشمن خاوند و همسایه دشمن همسایه می باشد ! آیا همین پاسداری شرع است؟۔ چشمهای مردم عالمان وازمی شد و ایشان درهوش می آمدند و می گفتند: آری' حضرت صاحب' مردم شرع و قرآن عظیم را پس پشت گذاشته اند۔ باز حضرت میاں صاحب می پر سید : "آیا بیست سال قبل ازین حالت مردم همین بود؟" عرض می نمودند : "نه' حضرت صاحب' قبل ازین در

مردم محبت و خلوص و همدردی بوده که الان اصلاً مفقود است۔ حضرت میاں صاحب می فرمود که این همه اثر انگلیسیهاست (یعنی اثر حکمرانی و ثقافت نصاری بر مسلمانان می باشد)

روش پند و اندرز : روزی حضرت میاں شیرربانی قدس سره در "حجره شریف" تشریف برد۔ این ده پیر خانه بزرگان حضرت میاں صاحب بود۔ دید که سجاده نشین خانقاه حجره شریف ریش تراشیده دارد و اهتمام اوقات نماز نیز ندارد و برای شکار وصید تفنگ وسگ وغیره داشته باشد۔ حضرت میاں صاحب به او فرمود : این چه طرزی ست که شما اختیار نموده اید؟ آیا آبا و اجداد شما اینطورمی کردند؟ یا این سنت رسول مقبول صلی اللّٰه علیه وآله وسلم و طریقه حضرت علی رضی اللّٰه تعالیٰ عنه می باشد۔

جناب سجاده نشین چون این حرفهای حضرت میاں صاحبؒ شنید، خیلی شرمنده گشت و زار و قطار گریستن آغاز کرد و گفت "من همه خلاف روش بزرگان خود کرده ام، الان توبه می کنم و در آینده اینطور کار هانمی کنم و بردست شما توبه می کنم"۔

طرز اصلاح احوال مردم : چون حضرت میاں شیر ربانی قدس سره کسی رامی دید که در او عیبی ست، او را بلا تردد مطلع می فرمود، حاکم بود یا محکوم و مسکین بود یا مالدار و مسافر بود یا هم شهری و رشته دار بود یا غیری، او را بهر طوری از عیبش آگاه می ساخت۔ مردم حرفهای حضرت میاں صاحب را برضا و رغبت می شنیدند چراکه می دانستند که کسی که با ایشان نصیحت می فرمود او حضرت میاں شیرربانیؒ می بود که خودش نمونه کامل اتباع سنت مصطفیٰ علیه الصلوٰة والسلام پیش می نمود۔

علامه اقبال لاهوریؒ در حضور حضرت شیرربانی قدس سره :

روایتی ست که باری علامه اقبال لاهوری (شاعر مشرق و مفکر اسلام جهانی) برای زیارت حضرت میاں صاحبؒ به شرقپور شریف آمده بود۔ حضرت میاں

صاحب قدس سره چون علامه اقبال را دید' فرمود که اقبال گاه بگاه می آید (یعنی هر روز نمی آید) و بعداً" فرمود که حجام را بیارید که من ریش خود را بترا سشم۔ این انداز و روش تبلیغ حضرت میاں صاحبؒ بودکه اقبال را احساس می دادکه شما سنت مصطفٰی صلی اللّٰه علیه وسلم یعنی ریش ندارید۔ علامه اقبال اشاره حضرت میاں صاحبؒ را فهمید و درک کرد و گفت که حضرت باید از گناه نفرت کرد نه که از گناهگار ! ولی چون اقبال حرفهای حکمت آمیز حضرت میاں صاحبؒ راشنیده همون وقت در چشمش اشکها روان گشت۔

حضرت میاں صاحب شفقت و محبت زیاد به اقبال فرمودو توجه او رابه سوی امور شرعی نمود۔ میگویند که علامه اقبال تامدتی زیاد نشسته گریان بوده و تاسف می خورده که اودر آخر عمرش زیارت حضرت میاں صاحب نموده است۔ روایتی ست که علامه اقبال در مدح حضرت میاں صاحبؒ قطعه گفت و در حضور حضرت صاحبؒ آن را خواند ولی حضرت میاں صاحبؒ حسب معمول از کسر نفسی خود آن قطعه (که درستاش ایشان بود) را نه پسندید و سپس اقبال نیز آنرا از ذهنش فراموش کرد۔

ابر شفقت حضرت میاں صاحبؒ : ابر شفقت حضرت میاں شیرربانیؒ مثل باران می بارید و در حضور حضرت میاں صاحبؒ فقط مسلمانان نمی آمدند بلکه مردم غیر مسلم نیز برای زیارت ایشان حاضر می گشتند۔ حضرت میاں صاحبؒ با هر کس رفتار خوب و مساوی می کرد و در خانقاه ایشان همه کسان عزت و حرمت می یافتند۔

باری شخصی که مذهباً" سیکھ (سیک) بوده' در خانقاه حضرت میاں صاحب حاضر گشت۔ گویا مردمان زیاد در خدمت حضرت صاحبؒ موجود بودند۔ لذا این سیکھ (سیک) در گوشه ای خاموش گشته نشست۔ مدتی سرش را خم کرده نشسته و سپس بلند شده و قریب حضرت میاں صاحبؒ آمد

و اجازه رفتن طلبیده گفت : "حضرت صاحب' خداوند شما را اجر بدهد' کاری که از سالها درست نمی شد' اکنون در حضور شما درست شده است" گویا او را نوبت به عرض گزاری نیز نشد ولی دلش قرار یافت۔ "سبحان اللہ"۔

سیکھ مسلمان گشت : باری حضرت میاں شیرربانی قدس سره در سرهند شریف (هند) برای زیارت مزار مقدس حضرت مجدد الف ثانی امام ربانی شیخ احمد فاروقی سرهندی قدس سره می رفتند۔ در راه بریک ایستگاه قطار حضرت صاحبؒ پیاده گشت که برای وضو آب بگیرد۔ چون آب وضو گرفته حضرت میاں صاحبؒ برگشت جوانی خوش وضع و صورت را در لباس ارتشی ملبوس در اطاق قطار ایستاده دید۔ حضرت میاں صاحبؒ نگاه خاص به سوی این جوان فرموده به او خطاب نمود : "ای جوان آیا صورت شما مثل مسلمانان می باشد؟" جوانی که سیکھ (سیک) بود' اصلاً توجه به جانب حضرت صاحب نکرد و با تندی و ترشروئی گفت : "برو' ای بزرگ' کار خود بکن" گویا نمی دانست که حضرت میاں صاحبؒ داشت کار خود را انجام می داد۔ قطار بوق زد و به راه رفت۔

ناگاه همون جوان که سیکھ بود' دویده در اطاق قطاری حضرت میاں صاحبؒ وارد گشت و برقدم مبارک ایشان افتاده' عرض گزارشد : "حضرت مرا مسلمان بسا زید !" حضرت میاں صاحبؒ باکمال محبت و شفقت او را به سینه خویش گرفت و فوراً مسلمانش کرد۔

انداز ارشاد و تبلیغ : روش و طرز ارشاد و تبلیغ حضرت میاں شیرربانی خیلی عمده و دلنشین و عالی بود و طرز گفتار ایشان شیرین و دلکش بود۔ ایشان خیلی نرم وسهل و ساده بصورت کلمات مسجع حرف می زد۔ سلاست و بلاغت حرفهای ایشان درحال خشمگینی نیز برقرار می بود۔ انداز گفتار اینقدر دلنشین بودکه تاثیرش دررگ و ریشه شنونده باخل می گردید۔

واقعات بیشمار سلف صالحین به حضرت صاحبؒ را از بر بود و از آنها به مردم مثال می آورد و تلقین و هدایت می نمود۔ چون مردم واقعات پرتاثیر و فکر انگیز صالحان و عارفان از زبان مبارک حضرت میاں صاحب می شنید ند گریان می شدند و خود حضرت میاں صاحب نیز همراه مردم شنونده گریان می شدند۔

حضرت میاں شیرربانی قدس سره مردم را می فرمود: سیکهان (سیکان) را به بینید که بر تعلیمات گرو خود چقدر عمل می کنند۔ نمی دا نیم که ما مسلمانان چرا گرویده پیروی انگلیسیها شده ایم؟ ریش سیکهان (سیکان) را از مشاغل زندگانی و آموزش و کاروبار دنیا و استخدام دولت هرگز مانع نمی شود و بر ایشان هیچ کس اعتراض نیز نمی کند و آنان از هیچ کس نمی ترسندولی ما مسلمانان خواه موهای سر نداشته باشیم' ریش مان را حتماً می تراشیم۔ آیا ما انگلیسیها را آگاه می سازیم که ما از دین اسلام تعلق خاصه نداریم؟

حضرت میاں شیرربانی قدس سره اکثر و بیشتر از مردم می پرسید که چند سال انگلیسی را خوانده اید؟ "پاسخ می گفتند که دو سال و سه سال و پنج سال وغیره۔ حضرت میاں صاحبؒ می فرمود که معنی "بسم الله" را بگویید۔ مرد مان زیاد جواب نمی دادند۔ این روزگار بود که آفتاب حکمرانی و اقبال انگلیسیها برهمه' جهان می تابید۔ حضرت میاں صاحب کارمند تنظیم سیاسی و معاشرتی نبود و نه تعلق به تنظیمی داشت که علیه دولت انگلیس بود ولی بلاخوف علیه فرنگی و انگلیسیها حرف می زد و تهذیب آنان را مخالف اسلام می دانست۔ لذا مردم سحرو طلسم خورده جاه و جلال دولت انگلیس را از قید و غلامی آنان آزاد می ساخت و مرد مان را حوصله می داد که سر را بلند کرده زنده بمانندو از غلامی دولت و تهذیب انگلیسیها رها بشوند و در غلامی سرور کائنات و فخر موجودات حضرت محمد صلی

اللہ علیہ وسلم در آیند کہ ہمین ذریعہ نجات و فلاح دو جہان می باشد۔

برخی مردم برای آزمودن پیش حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ می آمدند و چون صورت و سیرت ایشان را ملاحظہ می کردند در عقیدتمندان حضرت صاحبؒ شامل گشتہ برمی گشتند۔ شب و روز حضرت میاں صاحبؒ مثل کتابی روشن بودکہ مردم آنرا خواندہ ہدایت می یافتند۔ ہرکہ ساعتی یا وقتی زیاد در حضور الیشان می نشست، ہر چند مخالف ایشان می بود، نمونہ زندگانی ایشان را دیدہ در عقیدتمندان ایشان شامل گشتہ معترف درجات بلند و عالی ایشان می شد۔

احترام مردم: روزی یکی از مالداران ذکر خاک نشینی و عبادت گزاری حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ راشنیدہ در خانقاہ ایشان حاضر شد۔ وقت طعام خوردن بود۔ حضرت میاں صاحبؒ از او پرسید: "ہمراہ شما کسی ست؟" گفت: "آری، نوکرم در پائین نشستہ است"۔ گویا حقارت برای نوکرش کہ داشت از روش گفتارش عیاں بود۔ لذا حضرت میاں صاحب این مالداری را بہ طرز عامیانہ طعام داد و خودش پائین رفت۔

حضرت میاں صاحب پائین رفتہ نوکر آن شخص مالدار را باخود بالا آورد و پیش ہمہ مرد مان او را بطور خاص و باعزت و احترام نزد خویش نشانید و سپس او را در طعام خوردن باخود شریک نمود۔ چون از طعام خوردن فارغ گشت، فرمود: "چہ ستم است کہ مردم متاع قلیل جہان (یعنی مال و دولت) را ذریعہ عزت و حرمت خیال می کنند و این برای آخرت عذاب است، ہر چہ مال کم خواہد بود، حساب (محشر) آسان خواہد شد"۔

شفقت با مردگان: باری در شرقپور شریف وبای طاعون پیداشد۔ شخصی از مرض طاعون ہلاک گشت۔ مردم نزد میت اونمی رفتند۔ ہیچ کس برای کفن و دفن این مرد آمادہ نمی شد۔ چون حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ ازین چیز آگاہ گشت، میاں محمد دین کہ یکی از عقیدتمندان حضرت صاحبؒ

بود' او را همراه خود گرفته و در خانه آن شخصی مرده تشریف برد و مرده را بدست خود غسل داد۔ میاں محمد دین آب بربدن مرده می ریخت و حضرت صاحبؒ او را می شست و عزیزان و رشته داران آن مرده دور ایستاده نظاره می کردند۔

حضرت میاں شیرربانی قدس سره میت را غسل داده کفن پوشانید و بر پیشانی مرده بوسه داد و بامردم خطاب فرمود : "الان بیایید"۔ مردم پیش آمد ند و جنازه را بر برداشتند۔ چون در گورستان رسیدند۔ حضرت میاں صاحبؒ میت را بدست خود درگور گذاشت و دفن نمود۔ سبحان اللّٰه۔

جذبه محبت عارفانه : چون انسان در محبت حق مستغرق می گردد' او به همه کسان محبت می ورزد۔ بگفته صاحب خزینه معرفت :۔ چون حاجی جلال الدین صاحب ذیلدار' مقیم موضع "جوڑا" که مسلکا" اهل حدیث بود' از حج بیت اللّٰه پس آمد و کیفیت های سفر مدینه منوره و در حین زیارت روضه مقدسه نبی کریم صلی اللّٰه علیه وسلم که درک کرده بود' طوری بیان نمود که کسی نسبت دار از کاملان نقل می نماید۔ بر این موقع حضرت میاں صاحب نیز در قصور تشریف آورده بود۔ مؤلف خزینه معرفت می گوید که بنده واقعه' جلال الدین صاحب موصوف در خدمت حضرت میاں صاحب شرح دادم۔ فرمود : "باید در موضع "جوڑا" برویم! چنانچه صبح در موضع جوڑا رسیدیم و حضرت میاں صاحب' باحاجی جلال الدین صاحب ملاقات نمود و از ایشان کیفیت های مدینه منوره شنید و در حین شنیدن حالات مدینه منوره بر طبع عالی حضرت میاں صاحب جذب طاری می گشت۔ شب در همین ده بسر نمود۔ حاجی صاحب موصوف بسیار تواضع و خاطر مدارات "حضرت میاں صاحبؒ" کرد۔

حاجی صاحب موصوف گاو میشی داشت' شیری که صبح داد' آن را در خدمت حضرت میاں صاحب و همرا هیان ایشان تقدیم نمود و شیری که شبی

داد' آنرا خمیر کرد و ماست ساخت' چون صبح دیگر زوجه محترمه حاجی صاحب موصوف این ماست را مالید' از آن همین قدر کره (مکهن) گرفت که قبلاً" از شیر دو وقت می گرفت۔ این حقیقت را در خدمت شوهر خود (حاجی صاحب موصوف) ذکر نمود۔ حاجی صاحب موصوف برای امتحان کردن کره (مکهن) را وزن نمود' واقعاً" همان قدر بودکه قبلاً" می بود۔ صاحب خزینه معرفت می گوید که حاجی صاحب موصوف بعداً" نیز این تذکره پیش بنده بارها کرد و باری در شرقپور تشریف برد۔ و احوال حضرت میان صاحب را دید و شادمان گشت و گفت "احوال که در اینجا دیده ام' درجائی ندیده ام)"

تاثیر نگاه مبارک : بگفته صوفی محمد ابراهیم قصوری صاحب' باری حضرت میان صاحب در فیروزپور تشریف برد۔ درخانه ای که قیام فرمود' در آن یک حافظ قرآن که نابینا بود' در خدمت "حضرت میان صاحب" رسید' "حضرت میان صاحب" به این حافظ قرآن فرمود که رکوعی از قرآن مجید تلاوت کنید۔ حافظ صاحب موصوف یک رکوع قرآن کریم تلاوت کرد۔ سپس این حافظ به صاحب خزینه معرفت گفت که : — "من زبان عربی را نمی فهمم' ولی رکوعی که در خدمت حضرت میان صاحب تلاوت نمودم' از برکت حضرت صاحب' معنی هر آیت را فهمیده ام۔

محبت با پیر خانه خود : بعد از آن حضرت میان صاحب به "فیروزپور چهاؤنی" تشریف برد و در خانه حافظ عبدالله قیام کرد۔ کسی گفت که اینجا حافظ قرآن نابینا می باشد که از همنشینان حضرت امام علی صاحب" است۔ چون حضرت میان صاحب این شنید' در مسجدی که آن حافظ صاحب می بود' تشریف برد و یک ساعت آنجا اقامت فرمود۔ سپس فرمودکه — " مراحظی نصیب گشت که گویا در خدمت حضرت اعلیٰ صاحب نشسته ام"۔

این نیز گویا محبت باپیرخانه خود بود که کسی که از ہمنشینان شیخ و مرشد ایشان بود، از صحبت او حظی می یافت۔

فنای اتم (فنای کامل): باری در لاہور تشریف برد، در دست عصایی داشت۔ چون در "شاہ عالمی" رسید، در جوش آمد و بر عصا فشار داده فرموده که این خانه هاکی فنامی شوند؟ سه بار به صدای بلند همین طور فرمود، صاحب خزینه معرفت می گوید که بنده را فکر دامنگیر شد که صاحب خانه ها پریشان گشته چیزی نگویند، شکر است که کسی چیزی نگفت۔

فراست صادق : باری در قصور تشریف آورد، از بازارمی رفتند، درجایی کودکان چند بازی می کردند۔ چون دید، فرمود : این کودکان که بازی می کنند، استعدادی در ایشان موجود است که اگر کوششی کرده شود ازین ها حفاظ قرآن کریم، اولیای کرام و عالمان دین بیرون می آیند۔ افسوس که استعداد ایشان رائیگان می گردد۔

سپس بزرگی را از تذکرة الاولیاء یاد فرمود و گفت : "این بزرگ چون کودکان را در بازی محومی دید، همین طور تاسف می خورد"۔

چون قصور تشریف می آورد، اکثر بوسیله ترین (ٹرین) شب می آمد و عقیدتمندان را می فرمود که تردد نان تازه نکنند، درخانه های شما اکثر برای بچگان پاره ہای نان می باشد، ہرچه خواه نان نصف باشد، بیارید۔ فرمود : من چون به لاہور می روم، از بازار کلچه ای (نانی) می خرم، و همون برای همه روز برایم کافی می شود چون کم خورده قناعت کرده شود، وقت می گذرد۔

باب چہارم

کشف و کرامات

کشف و کرامات از اولیای کرامؒ و صوفیان عظامؒ همواره ظاهر می گردد و این علامت و خاصه بزرگی و کرامت ایشان می باشد۔ از حضرت میاں شیرربانی قدس سره کشف و کرامات بیشمار ظهور یافت۔ ما اینجامشتی از خرواری برای تمثیل و نمونه نقل می کنیم۔

از ماری که در دلوبوده آگاه شد: شبی حضرت میاں شیرربانی برسقف مسجد در نماز نفل مشغول بود۔ کسی آمد و خواست که از چاه مسجد آب بگیرد۔ چون او دلو را در چاه انداخت، حضرت میاں صاحبؒ از سقف مسجد پائین تشریف آورد و از دور این کس را صدا دادکه صبر کنید۔ سپس فرمودکه اول از درون مسجد چراغ روشن را بیارید، باز دلو را از چاه بیرون آرید۔

شخصی دیگر نیز صدای حضرت میاں صاحب را شنیده در مسجد وارد گشت و دویده چراغ روشن را از مسجد بیرون آورد۔ حضرت میاں صاحب فرمود : "اکنون دلو را بیرون آرید"۔ چون دلو بیرون آوردند و بر زمین گذاشتند، حضرت میاں صاحب چراغ را نزد دلو کرد۔ چون هر دو کس در نور چراغ در دلونگاه کردند، ترسیدند و پس کشیدند۔ در دلو ماری بودکه آنان دیده بودند۔ هر دو نفر این مار راکشتند و سپس از حضرت میاں صاحبؒ پرسیدند که حضرت شما برسقف مسجد بودید، چه طور فهمیدید که در دلو ماری است؟ حضرت صاحبؒ تبسم نموده فرمود : "اوراکه می پرستیم، همون مارا ازین چیزها آگاه می سازد"۔

کرامت دیگر : باری در مسجد خود که تازه تعمیر گشته بود، حضرت

میاں شیرربانی قدس سرہ تشریف فرما بود۔ بہ حاجی عبدالرحمن خطاب کردہ پرسید کہ چیزی دیدہ اید؟ او اینور و آنور نگاہ کردہ گفت : "نہ حضور۔ چیزی ندیدہ ام"۔ فرمود : "الان خواہی دید"۔

وقتی نگذشت کہ حاجی صاحب موصوف گفت : "حضرت صاحب۔ الان دیدم" فرمود : "چہ؟" گفت : "اینکہ حضرت امام علی شاہ صاحب رحمتہ اللہ علیہ تشریف آوردہ اند"۔ سبحان اللہ۔

کرامت دیگر : روزی حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ فرمود کہ من بہ موضع "آثاری" می رفتم کہ در راہ طوفانی آمد۔ باران و برف باریدن آغاز نمود۔ چون طوفان خیلی شدت اختیار کرد، درختان از زمین بیرون آمدہ می افتادند۔ خیال کردم کہ از خیابان جدا شوم۔ الہام شد کہ بر خیابان بروید لذا درباران و برف و طوفان برخیابان راہ می رفتم حتی کہ بہ امن و سلامتی در دہ "آثاری" رسیدم۔ مردم بر رسیدن من با امن و سلامتی حیران گشتند، زیرا کہ خیابان پر از درختان می بود کہ درین طوفان افتادہ بودند۔ سبحان اللہ۔ خداوند بندگان خویش را ازھر بلا و مصیبت محفوظ و مامون می دارد۔

نو مولودی خاموش گشت : روایتی ست کہ در شرقپور شریف درخانہ ای نومولودی بود کہ ہموارہ گر یہ می کرد۔ پدر و مادرش درمان این کردند ولی افاقہ اش نشد۔ چون ناچار گشتند در حضور حضرت میاں شیر ربانی قدس سرہ آوردند۔

نو مولود داشت می گریست، حضرت صاحب سوی او نگاہ کردہ فرمود : "اشکے ای اوئے ساتوں تے رون دا ول اج تک نہیں آیا توں تے ہر وقت رونا ایں"۔ یعنی "ای پسرک تو عجیب ہستی کہ ما تاکنون طرز گریستن نیاموختیم و تو ہمہ وقت گر یہ می کنی"۔ بس ہمین فرمود کہ نومولود خاموش گشت۔ وقتیکہ از روزی تولدش داشت گریہ می کرد۔

احترام کشفی : حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ سوال کسی را رد نمی

فرمود- حاجتمندی ازین حال آگاه شد و برای کمک مالی نزد حضرت میاں صاحب آمد و چون در شرقپور شریف وارد شد' خیال کرد که اگر خودم را پیش میاں صاحب "سیدی" ظاهر خواهم کرد' حتماً" ایشان توجه زیاد برای کمکم خواهد کرد-

لذا چون در حضور حضرت میاں شیرربانی قدس سره آمد' گفت که : " حضرت سید هستم و پیش شما آمده ام که کمک مالی من بفرمائید"-

حضرت میاں صاحب کمک مالی او فرمود و حسب معمول ایشان برای خدا حافظی همراه این حاجت مند تشریف برد- چون از شرقپور شریف بیرون شد' حضرت میاں صاحب به او فرمود : "بشنو' همین جاست که در دل شما خیال " سید" شدن پیدا گردیده بود' لذا عزت و توقیر شما تا همین جاست' الان پس می گردم"-

خیر است یا نیست؟ : روایتی ست که باری کسی از حضرت میاں شیرربانی قدس سره احوال پرسی کردو گفت : "میاں صاحب خیر است؟"

حضرت میاں شیرربانی قدس سره فرمود : "برادر جان' اگر اعمال نامه در دست راست داده شد' خیر است ورنه نه!!"

کسر نفسی و انکسار : معروف است که باوجود این رعب و جلال عالم کسر نفسی و انکسار حضرت میاں صاحبؒ این بودکه هرگز نمی پسندید که کسی به کفش مبارکش دست بزند- اگر کسی در عالم نادانستگی پاپوش مبارک حضرت را برداشته پیش ایشان می گذاشت' حضرت صاحبؒ می فرمود که این کفش راشما ببرید' من لائق این نیستم که کسی پاپوشم را پیش من بگذارد- اگرچه این کار برای بزرگان کردن روا است ولی من نه بزرگ "ہستم و نه ولی لذا برای من این طور نکنند"-

اگر حضرت میاں شیرربانی قدس سره بر رختخواب نشسته می بود و کسی برای تعظیم پیش ایشان بر زمین می نشست' حضرت صاحبؒ اورا بر

رختخواب نشستن مجبور می کرد و اگر آن کس از' به برابر حضرت صاحبؒ نشستن می ترسید' حضرت صاحبؒ همراه او بر زمین می نشست و آن کس شرمنده گشته بر رختخواب می نشست۔

باب پنجم

سفر دار بقا و جانشین

چون عمر مبارک حضرت میاں شیرربانیؒ شصت و سه سال شد' ضعف پیری ظاهر گشت۔ بازهم نماز پنجگانه باجماعت ادا می فرمود۔ بعلت ضعف فقط خطبه جمعه می داد و امامت نماز جمعه می فرمود۔ هر روز در ضعف جسمانی اضافه می شد حتی که مریض گشت۔

عزیز ان و عقیدتمندان حضرت میاں صاحبؒ ایشان را برای درمانش به سری نگر (کشمیر مقبوضه) بردند۔ بعد از چهار روز حضرت میاں صاحب فرمودکه مرا خانه ببرید لذا حضرت میاں صاحبؒ را از سری نگر براه راولپنڈی در لاهور آور دند و اینجا علاج و معالجه جاری شد۔

اگرچه در روز های بیماری معمولات حضرت میاں صاحب متفرق گشته بودولی در عبادت و یاد الهی هیچ کمی واقع نگردیده بود۔

روزی از همین روز ها حضرت میاں شیرربانی برادر خود حضرت میاں غلام اللّه قدس سره را صدا فرمود و آنوقت حضرت نورالحسن شاهؒ و بابا عبدالله فیروزپوریؒ در خدمت اقدس حضرت میاں شیرربانی قدس سره موجود بودند' پیش الیشان حضرت میاں صاحبؒ به برادر خرد خویش فرمود: مرد مانیکه بر خانقاه و درگاه من می آیند' در خدمت ایشان کوتاهی نکنید و اقامت نماز جمعه خود شما کیند۔ بدانید که صراط مستقیم فقط در اتباع سنت نبوی (صلی اللّه علیه وآله وسلم) ست۔

سپس در خانه خود تشریف برد۔ باهمه عزیز ان و افراد خانواده شفقت و محبت ورزید وسلام گفت و خدا حافظی نمود و فرمود: "اکنون می خواهم که در "ذوهیراں والا" (نام گورستانی که در آن حضرت صاحب مدفون

گشت) بروم!"

گویا این اظهار به اشاره غیبی بودکه "من رفتنی ام بسوی خداوند بزرگ و بعد از من عقیدتمندان و مرید انم را حضرت غلام الله قدس سره درطی منازل عرفان و سلوک کمک و یاری و رہنمائی خواهد کرد و وی جانشین و خلیفه مجاز من خواهد بود۔

بالاخر روز دو شنبه ۳ ربیع الاول در سال ۱۳۴۷ھ بمطابق ۲۰ - اوت ۱۹۲۸ء درحین تلاوت سوره اخلاص بعد از نماز عشاء' قریب یازده و نیم شب' به عمر مبارک شصت و پنج سالگی' این آفتاب روحانی از عالم فانی به عالم جاودانی رحلت فرمود و واصل بحق گشت۔ "اناللله و انا الیه راجعون"۔

خدا رحمت کند این عاشقان پاک طینت را

قطعه تاریخ رحلت حضرت میاں شیر ربانی قدس سره

چو مولانای قبله شرقپوری
ز دنیا شد روان با کام و آرام
"وصال شیر حق شیر محمد" (۱۳۴۷ھ) شده سال و صالش ای نکونام

روز دیگر بوقت ساعت شش شام جنازه حضرت میاں شیر محمد شیرربانی قدس سره درگورستان "دوهران والا" رسید و حضرت صاحبزاده مظهر قیوم رحمته الله علیه امامت نماز جنازه ایشان کرد و در حضور هزاران سوگوار و عقیدتمند' حضرت شیرربانی را درگورستان "دوهران والا" دفن کردند و مزار مقدس و بابرکت و پر انوار ایشان بمین جا مرجع الخلائق است۔

جانشین حضرت میاں شیر ربانی شرقپوری: حضرت میاں شیرربانی قدس سره' برادر خرد ایشان حضرت میاں غلام الله قدس سره گشت که ملقب به "حضرت ثانی لاثانی" شد۔

باب ششم

خدمات دین

فصل اول در تعمیر مساجد

حضرت میاں شیر محمد شیرربانی شرقپوری قدس سره برای اتباع سنت و فروغ دین اسلام خدمات بیمثال و یگانه ای انجام دادو در تعمیر نمودن مساجد برای عقیدتمندانش نمونه قابل تقلید و پیروی باقی گذاشت و نه فقط مساجد نو تعمیر فرمود بلکه مساجد قدیم را از سر نو تعمیر و مرمت فرمود و بمطابق سنت انبیا علیهم الصلوٰة والسلام درکارهای تعمیراتی و مرمتی مساجد بنفس نفیس شرکت فرمود و مثل مزدوران کارمی کرد وبا این عمل مبارکش ذوق و شوق خاصه به عقیدتمندان و مریدان خود عطا کرده است که نظیر آن یافته نمی شود۔ مساجد یکه درروزگار حضرت میاں شیرربانی تعمیر گشت قرار زیر اند:۔

(۱) در "محله بنی پوره شرقپور شریف" مسجدی بودکه در روزگار حضرت میاں صاحبؒ از آن فقط نشانی بود و آن نیز غیر محفوظ بود۔ حضرت میاں صاحب این مسجد رابا خطوط قدیم از سر نو تعمیر فرمود و در نزد این خانه ای برای پیش امام نیز تعمیر ساخت و نزد آن چاهی کنند و غسلخانه و طهارت خانه ها نیز بنا فرمود۔

بگفته صاحب خزینه معرفت: "حضرت میاں صاحب قدس سره در تعمیر این مسجد خود سهیم بود و ستون های مسجد رابا همکاری مرد مان به کار می گذاشت۔ اینجا شجری را از زمین کنیدند و حضرت میاں صاحبؒ درچاله که از کندن این شجر پیدا شده بود' تشریف برد و خاک از آنجابرداشت و آنرا بوئید و فرمود که:۔ "در این نیز بوی انگلیسی می آید"۔

(۲) مسجدی دیگر درگورستان ذوهران واله" تعمیر فرمود که ازین قبرستان در جنوب مغرب شرقپور واقع است۔ این مسجد دارای دو اطاق ویک چاه و غسلخانه ها و حجره و برآمده می باشد۔ برای آباد کردن این مسجد درویشی را آنجا گذاشت که بگفته صاحب خزینه معرفت تاکنون آنجا موجود است و این درویش در راه مسجد گل و بوته کاشته است و خدمتی خوب خانه خدا می کند۔ در وقت تعمیر مسجد معلوم می شد که گویا نزد قبر مبارک خود این مسجد ساخته است و بعداً همین طور شد که پس از وفات همین جامدفون گشت۔ روز های که این مسجد را تعمیر می فرمود، عقیدتمندان و مریدان می گفتند که حضرت این جای ست غیر آباد و ویران و هیچ کس اینجا نمی آید، لذا اینقدر مسجد عالیشان تعمیر کردن چه فائده دارد۔ فرمود : "هیچ، چون مردی خداوند خواهد مرد، این مسجد آباد خواهد شد"۔

چون حضرت میاں شیرربانی قدس سره رحلت بحق فرمود و در همین گورستان نزد مسجد محو استراحت گشت از همون روز نماز پنجگانه در این مسجد شروع شد و تاکنون ارادتمندان حضرت میاں صاحبؒ شب و روز درین مسجد در عبادت و ریاضت مشغول باشند۔

(۳) مسجدی دیگر در محله شیرربانی در شرقپور تعمیر نمودکه در طرز خاص و عمده تعمیر شده بود۔

(۴) مسجدی دیگر در پیرخانه خود (در قریه کوٹله شریف) تعمیر کرده بود این مسجد دارای سه اطاق و ایوانی وسیع می باشد۔

(۵) مسجدی نیز درچاه خود تعمیر فرموده بود۔

(۶) مسجدی دیگر در کوچه "دهدل پوره" که جانب راست شرقپور شریف می باشد، ساخته بود و این مسجدی کوچک همراه تاچاهی

(۷) مسجدی ست درمیانه شهر شرقپور شریف که در روزگار حضرت

میاں شیرربانی قدس سره همین بزرگترین مسجد بود۔ درین مسجد حضرت مولانا غلام رسول رحمته الله علیه که جد بزرگوار حضرت میاں صاحب بود، امامت می کرد۔ چون در عهد حضرت میاں صاحبؒ مردم از راه های دور و دراز در شرقپور شریف می آمدند لذا روز جمعه این مسجد برای مردم تنگ می شد۔ حضرت میاں صاحبؒ عزم وسیع نمودن این مسجد کردو خانه های چند که نزد این مسجد بود، را در (۱۳۴۰ھ) شامل مسجد فرمود و صحن و مسجد راکشاده نمود و برخی حجره و اطاقهای تازه نیز تعمیر فرمودکه تاکنون درهمین صورت موجود اند و درآن روزگار مبلغ (۲۵) ہزار روپیه بر تعمیر حجره و غسلخانه و جای وضو و طهارت خانه های تازه و اضافی مصرف شد۔

(۸) علاوه ازین درمکان شریف روضه مبارک حضرت امام علی صاحب رحمته الله علیه را مرمت نمود باری درمکان شریف تشریف آورد و دید که قبه روضه مبارک حضرت امام علی صاحبؒ در زلزله آسیب دیده است، برای مرمت این قبه عزم فرمود و حافظ محمد عبدالله صاحب مقیم چهاؤنی فیروزپور و کرم الدین نجار صاحب، مقیم شرقپور شریف و فتح محمد خان مقیم گورو هرسهای و نفری دیگر را برای مرمت این روضه مبارک فرستاد و تقریباً هزار وسه صد روپیه برای این مرمت مصرف شد۔

(۹) نشستگاهی درمکان شریف ساختندکه آن دو اطاق و ایوان خوب داشت۔ و نشستگاهی دیگر ساختن می خواستند که تکمیل آن نشد۔

مساجدیکه حضرت میاں شیرربانی قدس سره در روزگار خود تعمیر فرمود، در آن ها هیچ سامان ولو ازم تعمیراتی ساخته دست انگلیسی ها و یا درکارخانه انگلیسی ها را هرگز استعمال نکرد و اگر کسی این طور چیزی را می آورد حضرت صاحبؒ ناراحت می گشت و آن را قبول نمی فرمود و ازین معلوم می شود که مقام تقوی حضرت میاں صاحبؒ چقدر بلندبود؟

حضرت میاں شیرربانیؒ سلسله تعمیر مساجد راکه شروع فرموده بود،

تاکنون جاری و ساری ست و آن صورت تحریکی اختیار نموده است۔ مریدان و عقیدتمندان حضرت میاں صاحبؒ همواره برای سهم گرفتن در این کار خیر مشتاق و بیتاب می باشند۔ بعد از وصال مبارک حضرت میاں صاحبؒ خلیفه مجاز ایشان حضرت ثانی لاثانی میاں غلام اللّٰه قدس سره نیز در تعمیر مساجد سهم می گرفت۔ و سجاده نشین فعلی آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری مدظله العالی این روش عالی مرشدان بلند مرتبه خودرا تاکنون زنده و تابنده دارد و مساجد تعمیر می فرماید و فریضه تبلیغ و نشر اسلام انجام می دهد۔ مساجدیکه در شهر های گونا گون پاکستان به نام نامی حضرت میاں شیر محمد شیرربانی قدس سره منسوب شده تعمیر گشته است و شب و روز برای احیا و نشر اسلام و شریعت مطهره در آنها کلمه حق بلند می گردد' قرار زیر است :

۱۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' محله شیرربانیؒ' شرقپور شریف۔

۲۔ جامع مسجد مدینه شیرربانیؒ' عقب سول ہسپتال' شرقپور شریف۔

۳۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' اکبر روڈ' وسن پوره' لاہور۔

۴۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' سنگھ پوره' نزد باغبانپوره' لاہور۔

۵۔ جامع مسجد قادریه شیرربانیؒ ۲۱۔ ایکز سکیم' نیو مزنگ' سمن آباد' لاہور۔

۶۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' سانده کلاں' لاہور۔

۷۔ جامع مسجد غوثیه شیرربانیؒ' چونگی امرسدھو' لاہور۔

۸۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' شاهدره ٹاؤن' لاہور۔

۹۔ جامع مسجد شیرربانی' گیلڑی نزد کهرڑیانواله' ضلع فیصل آباد۔

۱۰۔ جامع مسجد شیرربانی' محله منیر آباد' گلزار کالونی' فیصل آباد۔

۱۱۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' سلطان ٹاؤن' فیصل آباد۔

۱۲۔ جامع مسجد شیرربانی' چک نمبر ۲۳۰' ضلع وهاڑی۔

۱۳ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' فیصل آباد۔

۱۴ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' نزد چونگی نمبر ۹ خانیوال روڈ' ملتان۔

۱۵ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' گرہ کوڑا' تحصیل ٹانک' ضلع ڈیرہ اسماعیل خان۔

۱۶ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' پھالیہ' ضلع گجرات۔

۱۷ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' ۹ چک نزد لیاقت پور' ضلع رحیم یار خان۔

۱۸ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' ۸ چک' تحصیل یزمان' نزد اڈہ تیرہ ہزاری۔

۱۹ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' گیائیں گجراں' ضلع کوٹلی' آزاد کشمیر۔

۲۰ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' سیکٹر ایف ۹' اسلام آباد۔

۲۱ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' الامین پلازہ' صدر' راولپنڈی۔

۲۲ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' عقب گورا قبرستان' نزد ملٹری ہسپتال (سی ایم ایچ)' راولپنڈی۔

۲۳ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' قلعہ سوجان سنگھ' نزد خانقاہ ڈوگراں' ضلع شیخوپورہ۔

۲۴ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' جھبڑ' ضلع شیخوپورہ۔

۲۵ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' محلہ رسول پور' شیخوپورہ۔

۲۶ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' اڈہ شیر پاک' صادق آباد۔

۲۷ ۔ جامع مسجد شیرربانیؒ' سمندری' ضلع فیصل آباد۔

فصل دوم: در نشر و اشاعت دین و معارف اسلامی بصورت کتب

حضرت میاں شیرربانی قدس سره عارف کامل بودکه بازبان و گفتار مبارک خود دل مردم را مسخرمی نمود۔ علاوه از خطابت جمعته المبارک که در مسجد خود می فرمود' همواره در سفر و حضر تبلیغ و ارشاد به طالبان حق می فرمود۔ علاوه ازین کتب نادره معارف اسلامی و سلسله عالیه نقشبندیه مجدد یه وغیره چاپ و نشر می کرد و میان ارادتمندان و طالبان حق و مردم خوانده مجانی تقسیم می فرمود۔ از آنها چند تا قرار زیر اند :۔

۱۔ مراة المحققین : ملفوظات حاجی الحرمین الشریفین : تالیف حضرت ابوالبرکات امام علی شاه نقشبندی مکان شریفیؒ (م ۱۲۸۲ ھ) بزبان فارسی' در احوال و تعلیمات و گفتار حضرت سید شاه حسین نقشبندیؒ (م ۱۲۴۴ ھ) که مرشد حضرت امام علی شاه نقشبندی رحمته الله علیه بود۔ بخواهش حضرت میاں شیرربانی قدس سره مولوی غلام رسول نقشبندی این کتاب را بزبان اردو ترجمه کرد و حضرت میاں صاحب این را طبع فرمود۔ سرورق این کتاب (دو صفحه در آغاز) بدست خود خطاطی فرمود و این نمونه عالی خوشنویسی حضرت میاں صاحبؒ می باشد۔ در آغاز این کتاب نظمی از مترجم می بودکه از ترتیب حروف های آغاز هربیتش نامی گرامی حضرت میاں صاحب : "مولوی شیر محمد" بر می آید۔ این کتاب در دو حصه می باشد۔ حصه اول۔ حالات حضرت شاه حسین المعروف "بهورے والا" و در حصه دوم "کلمات متبرکه" زیر عنوان "مراة المحققین" درج است۔ از جانب مطبع کریمی' لاهور باهتمام میر امیر بخش چاپ گردیده است۔

۲۔ "منهاج السلوک" ترجمه اردو "ذخیرة الملوک" : "ذخیرة

الملوک" بزبان فارسی نگارش "امیر کبیر سید علی همدانی" می باشد " مولوی غلام قادر" از مردم "کوٹ بھوانی" که از متوسلین "حضرت اللّٰه بخش تونسوی رحمته اللّٰه علیه" بود، بحیثیت مدرس در شرقپور شریف آمد و ارادت و عقیدت خاصه به حضرت میاں صاحب قدس سره العزیز پیدا کرد۔ او این کتاب را بفرمانش حضرت میاں صاحبؒ بزبان اردو ترجمه نمود و این در سال (۱۳۳۳ ھ) چاپ گردید۔ این کتاب دارای (۳۱۲) صفحات بود و در آغاز این مترجم دو منظومه شامل کردکه اگر نخستین حرف هربیت بیرون آورده شود، از آن "مولوی شیر محمد شرقپوری" جمع می شود۔ مترجم این کارکرده زیراکه حضرت میراں صاحب قدس سره نمی پسندید که اسم ایشان در کتاب منکور گردد۔

بگفته محمد امین شرقپوری صاحب "تنکره اولیای نقشبند" این کتاب را مولوی غلام رسول نقشبندی رحمته اللّٰه علیه بفرمان حضرت میاں صاحب قدس سره العزیز بزبان اردو ترجمه کرد و در ضخامت قریب (۳۲۵) صفحات طبع گردید و در آغازش دو نظم از مترجم است که از ترتیب حرف آغاز هربیتی نام گرامی حضرت میاں شیرربانی برمی آید۔

۳ ۔ "مجالس المحسنین" ترجمه اردو "حکایات الصالحین" :

کتاب اصل بزبان عربی بود و ترجمه اردوی آن مشتمل بر ۹۰۰ صفحات است که حضرت میاں شیرربانی قدس سره العزیز آن را طبع فرمود و خوشنویسی این کتاب "سید نورالحسن شاه صاحبؒ" کرده بود۔

۴ ۔ "ربع مع مطالب" : تالیف "حضرت بابا امیر الدین نقشبندی قدس سره" (مرشد پاک حضرت میاں صاحبؒ) این را نیز حضرت میاں صاحب طبع فرمود۔

۵ ۔ "چشمه فیض معرفت" : رساله ای ست مختصر بزبان پنجابی از حضرت خواجه بابا امیرالدین نقشبندیؒ که در مناقب مرشد خود "حضرت

خواجه امام علی شاه قدس سره" سروده است.

۶ - **تفسیر مرادیه:** فقط حصه آخرین این همراه "ربع مطالب" طبع شده بود و درین علاوه از "تفسیر قرآن" ارشادات حضرت میان شیرربانی قدس سره نیز درج است.

علاوه ازین حضرت میان شیرربانی قدس سره کتاب های تفسیر و حدیث و فقه و اوراد و وظایف وغیره می خرید و میان طالبان حق و اراد تمندان خویش مجانی تقسیم می فرمود و این عمل خاصه اولیای کرام سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه می باشد که ایشان همواره بوسیله تحریر و تقریر یعنی در هر دو میدان خدمات عالیه دین اسلام انجام می دهند. این کار از خواجه بزرگ ما حضرت خواجه بهاء الدین نقشبند قدس سره شروع شد و تاکنون درهمه عالم در خانقاه های این سلسله پاک جاری و ساری ست.

در شرقپور شریف شمع علم دین و عرفان و تصوف که از دست مبارک حضرت شیرربانی قدس سره روشن گردیده بود، آن را خلفاء باصفا و باکمال ایشان همواره سر بلند می کرده اند.

سجاده نشین آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور شریف حضرت صاحبزاده میان جمیل احمد شرقپوری، مدظله العالی در نشر و اشاعت و چاپ کتاب عزم عالی و بلند دارد. ایشان همواره کتب عرفانی و معارف اسلامی چاپ و نشر می کنند و در طالبان حق و ارادتمندان سلسله نقشبندیه و تشنگان علم و دانش مجانی تقسیم می فرمایند. تاکنون کتابهای زیر از " مکتبه نور اسلام" شرقپور شریف (که بنیاد آن حضرت میان جمیل احمد صاحب مدظله العالی گذاشته است) چاپ و نشر گردیده است:

۱ - **خزینه معرفت (اردو):** تصنیف صوفی محمد ابراهیم نقشبندی. در احوال و آثار و فرمودات حضرت میان شیرربانی قدس سره چند بار چاپ شده است.

۲ ۔ **حضرت مجدد اور ان کے ناقدین اردو :** تصنیف حضرت مولانا ابوالحسن زید فاروقی رحمتہ اللہ علیہ۔ در احوال و مقامات حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سرھندی قدس سرہ و رد ناقدین ایشان' بار اول درھند چاپ شدہ بود۔

۳ ۔ **المنتخبات من المکتوبات (عربی) :** مرتبہ حسین حلمی الیشیق بن سعید استانبولی۔ بار اول در استانبول از سوی مکتبہ اشیق چاپ گردیدہ بود۔

۴ ۔ **سرھند شریف :** (تلخیص از کتابچہ المنتخبات من المکتوبات)

۵ ۔ **تتمہ معارج النبوۃ (فارسی) :** حضرت ملا معین الدین واعظ کاشفی ھروی۔

۶ ۔ **دی نقشبندیز (بزبان انگلیسی) :** مرتبہ سردار علی احمد خان۔

۷ ۔ **مراۃ المحققین (اردو) :** تالیف قطب عالم حضرت سید امام علی شاہ نقشبندی مکان شریفی رحمتہ اللہ علیہ' مترجم اردو : مولوی غلام رسولؒ

۸ ۔ **نعتیہ قصیدہ :** حضرت امام اعظم ابو حنیفہ رحمتہ اللہ علیہ۔

۹ ۔ **تائید اھل سنت :** (متن و ترجمہ اردوی رسالہ رد روافض تصنیف حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد فاروقی سر ھندی قدس سرہ) مترجم و مصحح (متن فارسی) : دکتر غلام مصطفی خان نقشبندی سندی۔ مدظلہ۔

۱۰ ۔ **مختصر حالات حضرت شیربانیؒ و حضرت ثانی لاثانی میاں غلام اللہ شرقپوریؒ (اردو) :** تصنیف حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری۔ مدظلہ العالی۔

۱۱ ۔ **فضایل حضرت عائشہ صدیقہ رضی اللہ تعالیٰ عنہا (اردو) :** از مولانا منصب علی شرقپوری۔

۱۲ ۔ **منیتہ المصلی :**

۱۳ ۔ **نظام مصطفیٰ اور ہماری زندگی :** نظام مصطفیٰ و زندگانی ما'

بزبان اردو)۔

۱۴۔ **ماهنامه نوراسلام (اردو)** : مجله ماهیانه که بیادگار حضرت ثانی لاثانی شهباز مکانی میاں غلام اللّٰه شرقپوری قدس سره سجاده نشین شیرربانی میاں شیر محمد شرقپوری قدس سره از سی وهشت سال از آستان عالیه شرقپور شریف جاری ست و مدیر این حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری۔ مدظله العالی است۔

۱۵۔ **ماهنامه نوراسلام شرقپور شریف کا شیرربانیؒ (اردو) نمبر** : مرتبه حضرت صاحب میاں جمیل احمد شرقپوری مدظله العالی (شماره مخصوص مجله نوراسلام در احوال و مقامات حضرت شیرربانی قدس سره)

۱۶۔ **ماهنامه نور اسلام کا امام اعظم نمبر** (اردو) : مرتبه حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری مدظله العالی (شماره مخصوص مجله نوراسلام در احوال و مناقب حضرت امام اعظم ابو حنیفه رحمته اللّٰه علیه)

۱۷۔ **ماهنامه نوراسلام کا اولیائے نقشبندؒ** نمبر ا **(اردو)** : مرتبه حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری۔ مدظله العالی (شماره مخصوص مجله نوراسلام در احوال و آثار و مناقب اولیای نقشبند)

۱۸۔ **ماهنامه نوراسلام کا مجدد الف ثانی (اردو) نمبر** : مرتبه حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری۔ مدظله العالی (شماره مخصوص مجله نوراسلام در احوال و مناقب حضرت مجدد الف ثانی قدس سره)۔

۱۹۔ **فضائل حضرت سیدنا صدیق اکبر رضی اللّٰه تعالٰی عنه (اردو)**: مرتبه حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری۔ مدظله العالی۔

۲۰۔ **مختصر حالات امام ربانی مجدد الف ثانی رحمته اللّٰه علیه (اردو)** : مرتبه حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد شرقپوری۔ مدظله العالی۔

۲۱۔ **ارشادات مجددؒ (اردو)** : مرتبه حضرت صاحبزاده میاں جمیل احمد

شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۲ ۔ **مسلک مجددؒ (اردو ۔ پشتو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۳ ۔ **مقالات یوم مجددؒ (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۴ ۔ **الجنبة الشوقیه الی الحضرة المجددیه** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۵ ۔ **مدنی تاجدار کا تحفہ نماز (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۶ ۔ **مناسک حج (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۷ ۔ **صدائے حق (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۸ ۔ **تنویر حرم (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۲۹ ۔ **آسان (اردو۔ عربی گرائمر)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۳۰ ۔ **لمحہ فکریہ (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۳۱ ۔ **شجرہ شریف (اردو)** : مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپور مدظلہ العالی۔

۳۲ ۔ **تذکرہ احوال و مقامات زبدة الاولیا شیرربانی حضرت شیر محمد شرقپوری قدس سرہ (فارسی)** : تالیف محمد نذیر رانجھا۔

باب ہفتم

ابیات دلگداز کہ حضرت شیرربانی قدس سرہ می خواند

حضرت میاں شیرربانی قدس سرہ شاعر نبود ولی در عالم وجد برزبان مبارک ایشان ابیاتی جاری می شد کہ ہر حرفی از آنہادر عشق سرور کائنات فخر موجودات خاتم النبیین حضرت محمد مصطفی صلی اللّٰہ علیہ وآلہ وسلم لبریزمی بودہ است۔ حضرت میاں صاحبؒ راخیلی ابیات عرفانی و نعت رسول مقبول علیہ الصلوۃ والسلام از دیوان ہای سخنوران عارف زبان فارسی و اردو و پنجابی از بربود کہ وقت ارشاد و تبلیغ و مواقع گونا گون می خواند۔ مابرای نمونہ مشتی از خرواری اینجا نقل می کنیم:۔

ہمہ انبیا در پناہ تواند
مقیم در بارگاہ تواند
تو مہر منیری ہمہ اختر اند
تو سلطان ملکی ہمہ چاکر اند

✣

خدایا بدہ شوق ذات رسولؐ
بدرد محمدؐ مرا کن قبول
شب و روز در عشق حضرت بدار
ہمہ عمر در وصل احمدؐ گذار
چو بلبل برآن گل فدایم کنی
چو پروانہ جلوہ نمایم کنی

حیاتی مماتی همه وقت ما
عطا کن وصال محمدؐ مرا

✧

حمد محمودی که در جمله صور
شد بانوار محمدؐ جلوه گر
زانکه از نورش محمد شد عیان
گشت از نور محمدؐ دو جهان

✧

حسن یوسفؑ دم عیسیٰؑ یدبیضا داری
آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری
دل و جانم فدایت یا محمدؐ
سر من خاکپایت یا محمدؐ

✧

عرش است کمین پایه ز ایوان محمدؐ
جبرئیل امین خادم دربان محمدؐ
آن ذات خداوندی که مخفی و نهان بود
پیدا و نهان گشته بچشمان محمدؐ

✧

منم خاک سرکوی محمدؐ
اسیر حلقه موی محمد
نماز عشق هردم می گزارم
به پیش قبله روی محمدؐ
سجود عشق بازان است هردم
بمحراب دو ابروی محمدؐ

اگر چشمم بهر روی است مائل
بود روی دلم سوی محمدؐ
جهان در خیال لیلة القدر
حسن دربند گیسوی محمدؐ
صد کتاب و صد ورق در نارکن
جان و دل را جانب دلدار کن

باب ہشتم

ملفوظات گرامی

حضرت میاں شیرربانی قدس سره در محبت الهی و عشق مصطفی صلی الله علیه وآله وسلم کاملاً" مستغرق بود۔ کلماتی که از زبان مبارک ایشان جاری می شد' آنها همواره آئینه دار جذبات و احساسات ایشان می بود۔ حرفی از زبان مبارک بیرون نمی آوردکه بر آن خودشان عمل نمی فرمود۔ هر چه بدیگران می فرمود' خودشان برآن کاملاً" عمل می کرد۔ مااینجا برای تبرک از ملفوظات گرامی ایشان چند تانقل می کنیم:۔

فرمود :۔ دنیا مثل دریاست و آخرت کفاره آن و تقوی کشتی آن باشد و بدون تقوی این دریا راعبور کردن محال است۔ خوبی اسلام این است که مسلمان حرفهای "لایعنی" (بی فائده) را ترک کنند۔ همه خلقت دارای سه صفات باشد:

۱۔ فرشتگان عقل دارند مگر خواهش و غضب ندارند۔

۲۔ حیوان خواهش و غضب دارند ولی از عقل عاری اند۔

۳۔ انسان خواهش و غضب و عقل هرسه دارد۔ اگر انسان خواهش و غضب را تابع عقل کند' درجه بلند از فرشتگان می یابد۔ ولی چون عقل را تابع خواهش و غضب می کند' از حیوان بدتر می شود۔ انسان طلبگار لذت حیوانی و خواهش نفسانی باشد ولی بقدر احتیاج مثل نمک در طعام۔ و تاوقتیکه شما کارهای بهتر نکنید' زندگی را بهتر خیال نکنید۔

فرمود : ـ بدبخت آن باشدکه فکر آخرت نداشته باشد و مبتلای لذتهای دنیا می باشد۔ دولتی راجمع کنید که همراه شما (در آخرت) برود زیراکه مال و متاع دنیا با بدن در دنیا خواهد ماند (یعنی فنا خواهد گردد)۔ چون مرده رابببینید، مرگ خود را یاد کنید (یعنی فکر آخرت کنید) و شریر آن است که شرکند و مفلسان را اذیت دهد و هرکه از طعام سیر می شود او همواره گرسنه می ماند۔

فرمود : ـ هرکه باMال تونگر شود، او همیشه درویش باشد و هرکه از مردم حاجت می طلبد، او محروم می ماند و هرکه درکار خود از خداوند یاری نمی خواهد او خوارمی گردد۔

فرمود : ـ کسی که در جوانی قدر و عظمت فرمان خداوند نمی داند، خداوند در پیری اش، اورا خوارمی سازد و کسی که فقط روزی را باصدق دل در خدمت (خداوند) صرف می کند، برکت آن روز به همه خلقت می رسد۔ پس چه حال کسی خواهد بودکه همه عمر در خدمت (خداوند) می گزارد۔

فرمود : ـ شش نفر بسبب شش چیز درجهنم خواهند رسید:

۱ـ مردمان عرب بسبب تعصب و عداوت۔

۲ـ مالداران ده به علت تکبر۔

۳ـ تاجر بسبب فریب کاری۔

۴ـ مردم عامه به علت جهل و نادانی۔

۵ ۔ حاکم به وجه ظلم و ستم۔

۶ ۔ عالم به وجه حسد' زیراکه حسد نیکی هارا می سوزاند و هیچ کس مددگار حاسد نمی باشد۔

فرمود : ۔ بایدکه پاکی ظاهر' موافق پاکی باطن باشد یعنی چون دست را شوید' دل را ازحب دنیا نیز پاک کند و چون استنجا کندو از نجاست ظاهری پاک گردد' همون وقت از دوستی غیر نجات یابد۔

فرمود : ۔ حماقت این است که اعتقاد دارد و عمل نکند و کفر پنهان این باشد که خیال کند که این سخن اینطورنیست بلکه برچیزی دیگر خواهد بود۔

فرمود : ۔ حضرت علی مرتضی اسد اللّٰه الغالب مطلوب کل مطالب مظهرالعجائب و الغرائب کرم اللّٰه وجهه چنان سخنان حکمت آموز بیان فرمود که تا آنجا فهم کسی رسائی نیافته است۔

فرمود : ۔ کسی که در حرفش نرمی باشد' در قلبش ماده محبت حتماً" خواهد بود و کسی که قدر نفس خودرا فهمیده است اوهرگز هلاک نگردد۔

فرمود : ۔ از هرکه خواهی طلب کن ولی یقین این داشته باش که تودر قید او (خداوند) هستی' توهر کرا خواهی داد' امیر و حاکم او خواهی شد۔ تو ازهرکه خواهی استغنا و بی نیازی کن' انجام کار مثل او خواهی شد۔

فرمود : ۔ هرکس که بنیاد ایمانش بر این چهار اصول باشد' ایمانش محکم و قوی شود و او مسلمان خالص شده

مقرب خاص بارگاه صمدانی و درگاه یزدانی می شود۔ این چهار اصول قرار زیر است :۔

(۱) تصدیق دل

(۲) اقرار زبان

(۳) عمل بدن

(۴) مطابقت سنت

کسی که از این چهار اصول محروم باشد' او کافر است و کسی که با زبان اقرار کند و بادل تصدیق نکند' او منافق است و حال منافق از کافر بدتر باشد۔ کسی که بادل تصدیق کند و با زبان نیز اقرار کند مگر عمل نکند او فاسق است و فاسق براندازه قصورش در دوزخ خواهد رفت' کم از کم ساعتی و تاحد زیاد هفتاد سال۔ کسی که بادل تصدیق کند و بازبان اقرار کند و عمل نیز کند مگر در مطابعت سنت تغافل کند او بدعتی است و بدعتیان سگهای جهنم خواهند بود۔

فرمود :۔ در حدیث شریف آمده است که مسلمانان بعد از اجتناب کردن از کفر' باید چشم و گوش و شکم و شرمگاه و دست و پاو دل و زبان را از گناههای صغیره و کبیره باز دارند۔

فرمود :۔ خصلتی بد را ترک نمودن از عبادت صد ساله افضل تر باشد۔

فرمود :۔ اگر در ما سه خصلت باشد' خداوند مارا در حساب و کتاب آسانی خواهد داد و در جنت داخل خواهد کرد و آن چهار خصلت به قرار زیر است :۔

(۱) کسی که شمارا ندهد' شما او رابدهیدو او را محروم نگنارید۔

(۲) کسی که برشما ظلم کند' شما او را درگذر و معاف کنید۔

(۳) عزیزی و رشته داری که باشما قطع تعلق کند' شما با او ملاقات داشته باشید و قطع تعلق با او نکنید۔

فرمود :۔ ارشاد حضور نبی کریم صلی اللّٰه علیه وآله وسلم است که بزودی روزگاری خواهد آمدکه فقط از اسلام و قرآن نام باقی خواهد ماند و مساجد را مسلمانان آباد خواهند کرد مگر در حقیقت اینها از هدایت خالی خواهند بود و عالمان آن روزگار شریر ترین افراد روی زمین خواهند بود و آغاز فتنه و فساد از سوی ایشان خواهد شد و اختتام این بر ایشان خواهد شد۔

فرمود :۔ در حدیث حضور صلی اللّٰه علیه وآله وسلم آمده است که بزودی روزگاری خواهد آمد که مردم در دامهای شکم گرفتار خواهند شد۔ بزرگی ایشان در دنیا از لحاظ دولت خواهد بود و قبله ایشان زنان خواهند بود و مطلوب ایشان سیم و زر خواهد بود و این کسان در بندگان خداوند از همه بزرگ ترین (خیال کرده) خواهند بود' در حالیکه نزد خداوند وقعتی نخواهند داشت و این روزگاری خواهد بود که مردم دین را تمام خواهند کرد و اجرای بدعتها خواهند کرد۔ کسی که در این وقت بر سنت من عمل خواهد کرد' او بیچاره تنها خواهد ماند و کسی که پیروی بدعت خواهد کرد' مصاحبانش از پنجاه' شصت زیاد تر خواهد داشت۔ صحابه کرام رضوان اللّٰه علیهم اجمعین عرض نمودند : "یارسول اللّٰه صلی اللّٰه

علیه وآله وسلم' آیا بعد از ماکسی از ما افضل تر خواهد بود"۔ حضور صلی اللّٰه علیه وآله وسلم فرمود : "بلی" صحابه کرام التماس کردندکه یارسول اللّٰهؐ این مرد مان چطور زندگی خواهند کرد۔ آنحضورؐ فرمود : طوری که نمک در آب حل می شود' اینطور دلهای الیشان حل خواهند شد و زندگانی الیشان طوری خواهد بودکه جامه های سرکه در سرکه بسرمی برند"۔ سپس صحابه کرام عرض نمودند : "یارسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وآله وسلم۔ آن مرد مان حفاظت دین چطور خواهند کرد؟"۔ آنحضورؐ فرمود : "طوری که شما حفاظت آتشدان می کنید که اگر بگذارید' آن سرد می شود و اگر آن را دست زنید' بسو زاند"۔

فرمود : ۔ حضرت ابن عمر رضی اللّٰه عنهما فرمودکه اگر شما نماز خواننده مثل کمان خمدار شوید و روزه دارنده مانند تیر لاغر شوید' خداوند عملهای شمارا قبول نخواهد کرد تا از حرام باز نه مانید۔

فرمود : ۔ نیز حضرت ابن عباس رضی اللّٰه تعالی عنهم فرمودکه خداوند نماز او هر گز قبول نمی کندکه در شکمش حرام باشد۔

فرمود : ۔ نیز حضرت سهل تستری فرمودکه بنده در عمق ایمان نمی رسد تاوقتیکه چهارخو در او پیدا نشود :۔

(۱) ادائیگی فرضها (باسنن)

(۲) خوردن حلال (با پرهیز)

(۳) ظاهر و باطن را از منکرات محفوظ داشتن

(۴) بر این امور تا مرگ قائم بودن۔

فرمود :۔ آمده است که هر که چهل روز مال مشبه بخورد، دلش سیاه می گردد و بگفته حضرت عبداللّٰہ بن مبارک رحمته اللّٰه که درمی مشبه را باز گرد ایندن نزد من از یک تاشش میلیون درم خیرات کردن بهتر است، فرمودکه چون کسی از مال مشبه لقمه ای بخورد، ازین قلبش اینقدر مثل چرم خراب می شودکه بحالت اصلی هرگز برنمی گردد۔

باب نہم

واردات قلبی

پاره ای از واردات قلبی حضرت شیرربانی میاں شیر محمد شرقپوری قدس سره را ملاحظه بفرمائید :۔

باری فرمودکه چون راه می روم، از پائین تا بالا در بد نم حرکتی پیدا می گردد که همه بد نم را مثل دل می بینم و ازهر موی بدنم اسم ذات الهی ظاهر می شود۔

باری فرمودکه چون درکودکی در قصور می آمدم، در بازار و کوچه های این برکتی می دیدم و اکنون که اینجا می آیم تا ران نحوست می بینم۔ ولی سه کس از این نحوست محفوظ اند : یکی عبدالحق شاه صاحب ساکن کوٹ مردان و دومی حافظ دولت خان ساکن نواں کوٹ و نامی دیگر آورد۔

روزی فرمودکه ما برای قضای حاجت در بیابان رفتیم و بعد از فراغت چون نگاه کردیم بسبب عبرت نوعی از حال برما طاری گشت۔

باری فرمود که من در "مسجد شاهی لاهور" رفتم۔ آنجا طوری دیدم که خانه کعبه پیش من آمده است و من طواف آن می کنم۔

روزی حجام موهای (سر) حضرت میاں شیرربانی قدس سره را می تراشید۔ حضرت صاحب فرمودکه چون حجام استره را بر بد نم می زد، اینطور معلومم می گشت که بردلم استره می زنند۔

حضرت نورالحسن شاه نقشبندی رحمته الله علیه (که از خلفای عظام حضرت میاں شیرربانی قدس سره است) می فرمودکه باری حضرت شیرربانی قدس سره ارشاد فرمودکه از رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم چهار کس را طریقه ای که عنایت گشته است، بکسی دیگر نصیب نگردیده

است و آن چهار نفر این اند :۔

(۱) نخستین حضرت اویس قرنی رضی اللّٰہ تعالٰی عنہ۔

(۲) دوم حضرت خواجہ بایزید بسطامی رحمتہ اللّٰہ علیہ۔

(۳) سوم حضرت خواجہ ابوالحسن خرقانی رحمتہ اللّٰہ علیہ۔

(۴) چہارم . . . . . برنام چہارم خاموش گشت' زیراکہ حضرت صاحبؒ (حضرت شیرربانی قدس سرہ) ستایش خود شنیدن نمی پسندید لہٰذا اسم خود را اینجا برزبان مبارک نہ آورد۔

باب دہم

خلفای عظامؒ

حضرت میاں شیر محمد شیرربانی قدس سره مدتی زیاد ترویج و پیشرفت سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه در آستانه عالیه شرقپور شریف فرمود و هزاران طالب حق راتلقین و ارشاد کرده از فیوض و برکات این سلسله پاک مستفید فرمود۔ حضرات کرام زیر را درسلسله عالیه نقشبندیه مجددیه خرقه خلافت عطا فرموده و بعد از ایشان خدمات عالی برای دین اسلام و سلسله عالیه نقشبندیه مجددیه انجام دادند:۔

۱۔ **حضرت ثانی لاثانی شهباز لامکانی میاں غلام اللّٰه شرقپوریؒ**: حضرت میاں شیرربانی قدس سره ایشان را در آخر زندگانی مبارک خود جانشین خویش منتخب فرمود و ایشان از سال وصال حضرت میاں شیرربانی قدس سره (۱۳۴۷ھ) تا سال (۱۳۷۷ھ) (سال وصال خود) برمسند سجادگی و ارشاد آستانه عالیه نقشبندیه مجددیه شرقپور جلوه افروز بوده است۔

۲۔ **مخزن کرم حضرت سید محمد اسماعیل شاه رحمته اللّٰه علیه**: ساکن موضع کرموں والا تحصیل فیروزپور ضلع شیخوپوره۔

۳۔ **: پیکر نور حضرت سید نورالحسن شاه رحمته اللّٰه علیه**: ساکن موضع کیلیانواله

۴۔ **فاضل اجل حضرت صاحبزاده حافظ محمد عمر رحمته اللّٰه علیه**: ساکن بیربل شریف' ضلع سرگودها۔

۵۔ **مظهر انوار حضرت صاحبزاده مظهر قیوم رحمته اللّٰه علیه**: ساکن مکان شریف' نزد گورداس پور (هند)

۶۔ **ابر رحمت حضرت میاں رحمت علی رحمته اللّٰه علیه**:

ساکن موضع گھنگ والا شریف، نزد کاھنہ کاچھا،

۷ ۔ الحاج حافظ حضرت سید محمد ابراھیم شاہ بخاری رحمتہ اللّٰہ علیہ: ساکن موضع سہول شریف، نزد ریلوی اسٹیشن کالا خطائی،

تمت بالخیر

فقیر محمد نذیر رانجھا

غفر ذنوبہ و ستر عیوبہ

۱۱ ذی الحجہ ۱۴۱۴ھ بمطابق ۲۳ ۔ ۱۹۹۴ میلادی

ماخذ

۱ ۔ **تذکرہ اولیای نقشبند المعروف :** سیرت پاک شیرربانی عاشق یزدانی مجدد عصر، قطب زمانہ حضرت میاں شیر محمد صاحب شرقپوری، مؤلف محمد امین شرقپوری، ناشر : عبدالوحید خان، ذوالحجہ ۱۴۰۸ ھ/ ژوئیہ ۱۹۸۸ م۔

۲ ۔ **تذکرہ حضرت سید میر جان کابلی نقشبندی مجددیؒ :** از شادروان میاں اخلاق احمد، ناشر : میاں احمد بدر اخلاق، لاہور، ۱۹۸۸ م

۳ ۔ **خزینہ معرفت :** از صوفی محمد ابراهیم قصوری نقشبندی مجددی، ناشر : فیصل آباد، بزم جمیل غلامان شیرربانی، ۱۹۸۸ م

۴ ۔ **شجرہ طیبہ مع معمولات نقشبندیہ :** مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ، ناشر : شرقپور، مکتبہ نوراسلام۔

۵ ۔ **مختصر حالات حضرت شیرربانیؒ و حضرت ثانی لاثانی میاں غلام اللہ شرقپوریؒ :** مرتبہ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ، ناشر : شرقپور، مکتبہ، نوراسلام۔

۶ ۔ **منبع انوار در شرقپور شریف :** مختصر حالات و واقعات حضرت میاں شیر محمد شرقپور رحمتہ اللہ علیہ : مرتبہ : حضرت صاحبزادہ میاں جلیل احمد شرقپور، ناشر : فیصل آباد، بزم جمیل، ۱۹۸۸ م۔

۷ ۔ **نوراسلام، شیرربانیؒ نمبر:** مدیر اعلیٰ حضرت صاحبزادہ میاں جمیل احمد شرقپوری مدظلہ، ناشر : شرقپور، مکتبہ نوراسلام۔

شیر ربانی نامه

سروده: دکتر محمد حسین تسبیحی (رها)

۲۲ جمادی الثانی ۱۴۱۵ھ مطابق ۲۹ نومبر ۱۹۹۴ء

در وصف حضرت مولانا شیر محمد شیر ربانی شرقپوری رحمته الله علیه درگاه او
شرقپور شریف ضلع شیخوپوره (پاکستان)

زبدة الاولیا ربانی
گوهر درج عشق ربانی

پند واندرز او نوای دل
ضوفشان است شیر ربانی

نور اسلام آستانه او
روشنی بخش عالی و دانی

شد به شیر محمد او معروف
شیر احمد مجدد ثانی

شرقپور از وجود او روشن
حافظا آیه هائی قرآنی

شرقپور شریف آبادان
از وجود امام روحانی

جاذب قلب وجان هر مومن
چشمه آب پاک فیضانی

هر که خواهد طریقت اسلام
نور اسلام و نور رحمانی

عارفانه کلام او بر خوان
تا شود جان تو گلستانی

از جمیل احمد آمد این دفتر
رهمنا بهر هر مسلمانی

لفظ زیبای معنوی بنگر
صادق القول شیخ نورانی

شد جمیل احمد جانشین پدر
بانی بارگاه ربانی

صاحب ذوق و فکر والدخود
نظم و نثر و کلام عرفانی

ترجمه کرده دفتر عرفان
این محمد نذیر انسانی

رانجها شد ملقب و اکنون
خوشه چین جهان روحانی

ہمشیلمی لقب بود چون گل
بابیان و کلام ایمانی

فارسی شد زبان به هر محفل
در وفا عهد خوب پیمانی

هرچه خواهی بجو ازین دفتر
حال و احوال شیر ربانی

نور اسلام اگر بود از شرق
شرقپور است چرابه پنهانی"

دیده ام بارگاه و درگه او
مرزرع و سبزه بهارانی

میزبان بود آن جمیل احمد
کرده جان مرابه مهمانی

در کتب خانه اش بود موجود
گنج عرفان و گنج سلطانی

هر که خواهد طریق حق جوید
شد جمیل احمد بحر جوشانی
ثانی لاثانی جانشین آمد
او غلام الله خدا دانی

شو روانه به شرقپور شریف
بشنو الفاظ شاه لاثانی
آن حکم محمد موسی
شد حکیم دل و جهانبانی

رهنمای همه جوانان شد
مطبش ببین دعاخوانی
من اسیر کلام موسی ام
حافظش باد خدای ربانی

این رها راه حق همی جوید
زبدهٔ اولیای ربانی



